



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز سه‌شنبه (۲۸) بهمن ماه ۱۳۵۲

فهرست مطالب :

- ۲ - ادامه مذاکره دوگزارش یک شوری کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۵۵ کل کشور.
- ۳ - تعیین دستور و موقع جلسه آینده - ختم جلسه.

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .

جلسه فوق العاده مجلس ساعت ۸ بعد از ظهر بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد .

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر خوانده شد)

آقایان : جوکار - مجاری - حجتی - دهقان - تولانی زاده - رئیسی اردکانی - رحیمی لاریجانی - غلامرضا غضنفری - وزیر - قوامی - بانو ضرابی - بانویزومند - بانوسلیلی .

۲ - ادامه مذاکره دوگزارش یک شوری کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۵۵ کل کشور

رئیس - وارد دستور میشویم کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۵۵ کل کشور مطرح است آقای دانشی بقیه فرمایشات خودشان را ادامه میدهند، بفرمائید .

دانشی - خوب خانمها و آقایان تجدید قوایی کردند و امیدوارم حوصیله شنیدن بقیه عرایض مرا داشته باشند صحبت درباره آنچه بود و آنچه که انقلاب شاه و ملت بما داده و بایران داده برای آنکه ایران و ایرانی موقعیت خودش و موقعیت باستانی و باشکوه خود را باز یابد و بمجدد و به عظمت دیرین خود برسد و به تمدن وسیع و واقعی

و حقیقی برسد که مادرزاد این تلاش و این هدف و این مقصد چند سال را پشت سر گذاشتیم با موفقیت و بارسیدن به موفقیت‌هایی که در سایه انقلاب شاه و ملت بدست آوردیم و همانطور که رهبر ما در روز ششم بهمن در استاد یوم آریامهر اعلام فرمودند دوازده سال دیگر ما با همین کوشش‌ها و تلاش‌ها بدروازه‌های تمدن بزرگ خواهیم رسید و یکی از کشورهای بزرگ جهان خواهیم بود انشاء الله باید موفقیت اما در این تلاش و کوشش ما باید بقول آقای نخست‌وزیر تنگناها را از بین ببریم و نارسایی‌ها را باید علاج کنیم و مشکلات را حل کنیم ما این موفقیت را در دوران انقلاب بدست آوردیم ولی نه یک روزه و یکساله در عرض چند سال باینجا و این مقام رسیدیم که مورد توجه دنیا قرار گرفتیم و در منطقه قدرت واقعی و حقیقی هستیم در منطقه خودمان بزرگترین قدرت هستیم و در جهان مورد توجه و از نظر اقتصادی هم اینهمه پیشرفت کردیم که همانطور که نمایندگان محترم استحضار دارند نخست‌وزیر مملکت در جلسه مشترک مجلسین اعلام کرد با تداوم این نخست‌وزیران جهان میخواهند به میزان بیابند برای

بازدید و سنجش قراردادها و اقتصادی که من وقت پذیرائی از آنها را ندارم در اثر کار و تلاش و فعالیتی که در این دوره سازندگی با او واگذار شده است (صحیح است) این مرد فعال و زحمت کش و خدمت گذار شب و روز خودش را صرف کوشش و تلاش میکند و من خوشوقت هستم که الان تشریف ندراند و با خیال راحت تر و قدرت بیشتری از نظر انکاء زوجی حرف میزنم که احتمال بر تعلق نشود (آفرین) زیرا هیچ فرد ایرانی متعلق نیست عرض کردم تنگناها و نارسائیها را باید علاج کنیم در یک تحول و در یک انقلاب نارسائی وجود دارد افرادی هم هستند که دارای نظریه و اندیشه هستند، مردم ایران مردم خودمفکری هستند، مردم روشنی هستند، مردم صاحب اندیشه هستند و ارائه طریق میکنند در کمسیون بودجه ملاحظه فرمودید هر کدام از ما میآیدیم حرفهایمان را میزدیم و پیشنهادهای خود را میدادیم و در نتیجه بعضی از توصیهها بفق مردم شهرها و روستاها اصلاح شد و توصیههایی به بودجه اضافه شده یکی از نمایندگان امروز فرمود که من نمیدانم چرا باید مردم تهران در خدمات عمومی سهیم و شریک شوند چرا این اصلاحی (یک نفر از نمایندگان فرماید توصیه) چرا این توصیهها به بودجه اضافه شده، خیلی روشن است، چرا تهران نباید یک قطب جذب کننده بشود چرا برای خدمات عمومی تهران بودجه شهرهای دیگر سرازیر بشکند تهران بشود که تهران اسفالت بیشتری، و خیابانهای متعددتری پیدا کند و پارکهای زیادتری داشته باشد و موکلین ما بما نگویند چرا شما گذاشتید از بودجه ما اینقدر بردارند و برای مترو و خدمات عمومی پایتخت اختصاص بدهند البته وضعیت و کیفیت تهران بقدری است که احتیاج دارد به مترو و باید هم ساخته بشود برای اینکه این ترافیک آزار دهنده که مغز و اعصاب مردم را از بین میبرد سامانی می یابد و مردم بکارشان بتوانند برسند و خلاصه گرفتاریهایی بوجود آمده اما به بقیه مملکت چه برسد یک عده در پایتخت همه گونه وسائل داشته باشند هر سال هم در بودجه مملکت مبلغ زیادی به پایتخت اختصاص داده شود و سایر شهرها بی نصیب باشند پس آنکه میخواهد در پایتخت زندگی کند و مزایایی برای خودش در نظر گرفته و پایتخت را برای سکونت انتخاب کرده است باید در خدمات عمومی و وجود آمدن آنهم سهیم باشد و این بصورت توصیه از طرف کمسیون بودجه ضمیمه لایحه بودجه شده است. در تهران هر چه رفاه و آسایش بیشتر فراهم

شود هجوم مردم شهرستانها باینجا بیشتر میشود عدهای زانگه نشین و کوخ نشین بودند، دولت برایشان آپارتمان ساخت آنرا فروختند و دومرتبه درجای دیگر همان بساط را برپا کردند تا دوباره از دولت خانه بگیرند و این برای آنها حرفهای شد پس این توصیه ضمیمه لایحه بودجه شد برای اینکه سیاست عدم تمرکز می که دولت مورد نظرش است بهتر اجرا بشود نگاه کنید عیناً همین حرفهایی است که همه ما میزنیم میگوئیم بیاید به بخشها برسید به وضع روستاها برسید بقول وزیر تعاون و امور روستاها باید مدیرکلها و کارمندان را ببرید در بخش روستا نتجتاً ثروت، پول و کار و فعالیت و حرف با آنجا کشیده میشود وقتی که مرکزیت پیدا کرد و کار در بخش پیدا شد و فعالیت اقتصادی بوجود آمد عطار هم بوجود میآید بقال هم بوجود میآید این سیاست عدم تمرکز است من با ساختمانهای لوکس موافق نیستم هیچ کس هم موافق نیست اما این همه ساختمان مجلل نشان دهنده این است که بطور نسبی همه از یک رفاهی تازه برخوردارند البته باید مواظب بود در کنار رفاه زیاد نباید هم بوجود نیاید تجاوز هم بوجود نیاید باید از اینها جلوگیری کرد و متمرکزبانی نمیشود شد باید ساختمان بوجود بیاید چون آبروی مملکت و باعث زیبایی شهرهای ماست ولی باید برای قرا هم آپارتمان ساخت (بانو ویوادادی - ایراد) و کلاً هم باید خانه ساخت) بله، برای و کلاً هم باید خانه ساخت چون مجدداً مردم بما رای میدهند و انتخاب میسویم و دورههای متعددی در خدمتان هستیم یک اقتصادشکوفان لازم است فعالیتهای مختلف است فعالیتهای گسترده است در همه زمینه ها، در آموزش و پرورش و در آموزش عالی در تربیت بدنی و در پرورش نیروی جسمانی دانش آموزان ما از ورزش بی بهره هستند تلاش و کوشش برای تربیت بدنی نمیشود، نمیشود مگر این فعالیتهای ورزشی شد نمیشود مگر بوجود آمدن این همه استادیومها و زمینهای ورزشی در گوشه و کنار مملکت شد، پیش از انقلاب بچههای ورزشکار ما در زمینهای خاکی فوتبال بازی میکردند الان زمینهای چمن دارند استادیومهای متعدد هم دارند این استادیوم صد هزار نفری آریامهر کی بوجود آمد؟ در عصر انقلاب بوجود آمده در عصر دولت خدمتگزاران هموطنان بوجود آمد (صحیح است) شما اگر بخاطر داشته باشید یکسال پیش از آن که بازی های آسیائی خواسته باشد برگزار شود در تهران، حالا می گویند که چرا از ورزش صحبت

می کنید باید یک نماینده اطلاعات عمومی اش هم زیاد باشد نخست وزیر مملکت شش ساعت ۹-۱۰ سرکشی میکرد، در همین مجموعه ورزشی آریامهر و اصولاً فعالیتهای ساختمانی مجموعه ورزشی آریامهر زیر نظر مستقیم خود نخست وزیر بود و دیدیم که یازدهای آسیائی با چه شکوه و با چه عظمت، با چه افتخاری و با چه امنیتی انجام شد و باعث افتخار برای مملکت و برای کشور شد در مرکز استان خوزستان چند استادیوم ورزشی است البته نواقص و نارسائی هایی هم هست باید کوشش و همفکری کنیم تا به کمال برسیم و رهبر ما وعده فرمودند ۱۲ سال دیگر با کوشش و با تلاش و بسا فعالیت ما به کمال خواهیم رسید و به تمدن میرسیم به دروازه های تمدن و یکی از قدرت های بزرگ جهان خواهیم بود همچنان که از زبان انقلاب تا حالا بزرگترین قدرت مطلقه شده ایم (صحیح است) بطوریکه برای ایرانی و فکر ایرانی حساب می کنند دیدید وقتی آن نام مجعول به زبانها افتاد چطور نفسها در سینه ها حبس شد این قدرت مولود درایت و سیاست و کیاست و همکاری و اتحاد است اما از صبح که اینجا بحث شد دوستان عزیز من سخن گفتند مسئله سواد را مطرح کردند این خاصیت ملت ماست که باز هم همیشه مبارزه کرده بادیها همیشه مبارزه کرده و با بادیها همیشه به مبارزه برخاسته و در طول تاریخ یکی از رموز موفقیت این ملت بود که بموقع به مبارزه بآنچه که باخوی و خصلتس سازش و سازگاری نداشته مبارزه کرده سواد در جامعه ما باید ریشه کن شود زیرا ما داریم میرویم به طرف یک تمدن بزرگ این تمدن هم تکنیک باید به همراه داشته باشد و هم فضایل اخلاقی و انسانی به همراه داشته باشد این جمله و این مطلب فرمایش رهبر ماست که جامعه اگر از صنعت برخوردار باشد اما از فضایل اخلاقی و عقیده سالم بی بهره باشد این جامعه جامعه کاملی نیست جامعه ای، جامعه ای سالم است که در عین برخوردار از تکنیک و صنعت از فضایل اخلاقی نیز برخوردار باشد تمدن که من میگویم یک کلمه ایست که شمول دارد و هم شامل فضایل اخلاقی است و هم علم و حرفه و فن و صنعت زیرا یک صنعتکار، یک دانشمند، یک عالم، یک طبیب و بی معنی و با صفا و صمیمی و دلسوزند که عقیده و ایمان و اخلاق و فضایل انسانی هم داشته باشند رهبر ما چنین جامعه ای را میخواهد، جامعه ای که پندارش یک باشد جامعه ای که رفتارش نیک باشد جامعه ای که

از انانی ترین و بهترین تکنیکها برخوردار باشد این جامعه یک جامعه موفق است، چرا امروز بشریت جز نابودی رسیده است برای اینکه فضائل اخلاقی در آن جوامع از بین رفته و بی استثنائی به فضائل اخلاقی شده ما باید بفکرش و تربیت جامعه خودمان باشیم و آنها را محلی کنیم فضایل اخلاقی و انسانی و همین جهت ما آمدیم نام وزارت معارفمان را تبدیل کردیم به وزارت فرهنگ و بعد آمدیم اسم آموزش و پرورش برای یک دستگاسازاننده نسل آینده اجتماعمان انتخاب کردیم، این وزارتخانه وظیفه دارد که افراد آینده این مملکت را، افراد با ایمان و با عقیده بسازد، توجه به عقیده و مبانی دینی و اسلامی جامعه بکنند سعی کنید بهترین معلمها بهترین آموزگاران بهترین پرورش دهندگان را از میان کسانی انتخاب کنید که از نظر ایمان و عقیده هم مردانی صحیح و سالم باشند جناب وزیر آموزش و پرورش - یک پیشنهادی وقتی که ناطق قلی سخن می گفتند قرائت کردند که از روحانیون در روستاها و بخشها برای تدریس مسایل دینی و تعالیم دینی استفاده شود بنده پیشنهاد دیگری دارم پیشنهاد من این است که چند سال پیش که گواهینامه علوم مدرسی در معقول و منقول بود روحانیون ما که در حوزه های علمیه درس خوانده بودند و بمسائل دینی و اصول فقه و منطق و کلام و آنچه که در این حوزه های علمی تدریس می شود مثل فلسفه و ادبیات فارسی ادبیات عرب اینها می آمدند امتحانی میدادند زیر نظر وزارت فرهنگ آنموقع و وزارت آموزش و پرورش حالا و گواهینامه ای باینها می دادند بنام گواهینامه مدرسی علوم معقول و منقول اولاً باین وسیله افراد زحمتکش و مطلع و معتقد از حوزه های علمیه جذب جامعه می شد ند برای خدمت، این گواهینامه معادل دیپلم ادبی بود و بعد از وجود این روحانیون در آموزش و پرورش استفاده می شد و یک دوره ای می دیدند و معلم می شدند و این ها بهترین معلم و آموزگار و دبیر وزارت آموزش و پرورش بودند الان در وزارت آموزش و پرورش از اینگونه افراد زیاد هستند که از همان گواهینامه مدرسی علوم معقول و منقول استفاده می کنند بعضی از آنها در سطح استادی دانشگاه دارند تدریس می کنند و بعضی از آنها مدارج اداری را در حد عالی پیموه اند و بعضی از آنها دبیر هستند و بعضی از آنها افرادی هستند که متخصص در فن خودشان بودند متخصص در تعلیمات دینی و ادبیات فارسی و منطق حتی در کلاسهای ششم ادبی آن موقع فلسفه و عربی و صرف و نحو و منطق و ادبیات فارسی را

اینجا تدریس می کردند من پیشنهاد می کنم جنابعالی که صحبت میکنید و میگوئید کمبود دهر و معلم داریم تربیت معلم مشکل هست احتیاج توسعه دانشسراها هست برای تدریس رشته های دینی و همچنین ادبیات فارسی از وجود این روحانیون استفاده کنید اینها مردمی هستند خدمتگزار و علاقمند بوطن و در راه مملکت، روحانیت ایران، کوششها و تلاشها کردند من بعنوان روحانی مجلس شورای ملی دوران رستاخیز اعلام می کنم روحانیت ایران با همه وجود، با همه قدرت، با همه توان خودش در راه تلاش و کوشش و فعالیت مملکت و پیشرفت مملکت پیشقدم هست، همگامی و همراهی دارد. آن وقتی که نغمه های گوناگون در این مملکت از حلقوم افراد معلوم - الحال بیرون می آید و افکار سموم در اذهان جامعه بخش میشد و میخواستند افکار بانک و منزله ایرانی را تحت تبلیغات شوم خودشان قرار بدهند؛ روحانیت بود که در برابر آن نغمه ها، در برابر آن تلاشهای مذبحخانه در برابر کوشش های مذبحخانه ایستاد و از مملکت دفاع کرد و دست سوی شاه مملکت دراز کرد و بنیاد شاه و مملکت باقی ماند؛ روحانیت ایران همیشه بسرو بوده، روحانیت ایران در تئور افکار عمومی همیشه پیشقدم بوده و فاصله ای بین روحانیت و دولت و ملت نیست این تبلیغات شوم بعضی است که در اذهان این حرفها را بوجود می آورد که مابین دولت و روحانیت اختلاف هست (دکتر آرمون - خائنین مملکت این حرف را میزنند) بلی آنها که میخواهند مارکسیست اسلامی درست کنند این حرفها را می زنند، آنها که نمی توانند و نمی خواهند پیشرفت مملکت را ببینند این حرفها را میزنند و گرنه من اینجا اعلام میکنم روحانیت با همه قوا و تلاش و با همه نیروی خودش در سوق مملکت بسوی ترقی و تعالی با اتحاد مملکت همگام و همفکر است، روحانیت مملکت سعی بسزائی دارد در تئور افکار عمومی و مبارزه با فساد زیرا روحانی وقتی که سخن میگوید مستدل میگوید، روحانی وقتی حرف میزند مستدل حرف میزند، در مورد همین فساد که مورد گفتگوی ماست و امروز داریم درباره اش واقعاً تجزیه و تحلیل میکنیم قرآن مجید دارد ما را راهنمایی می کند، یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الضلالت بعض الظن انهم ولا تجسسوا ای کسانی که ایمان آورده اید گمان بد نسبت بهم نبرید شما افراد متحدی هستید نباید با دیدگانهایی و شن های گوناگون آن اتحاد خودتان را از بین ببرید و اتحاداتان تبدیل به تفرقه و تشتت شود، اجنبوا ولا تجسسوا، تجسس راه

نیندازید، تفتیش عقاید راه نیندازید، تفتیش های دیگر راه نیندازید، جامعه را بهم نزنید، آرام باشید، مستقرو استوار باشید ولا تجسسوا، آقایان این چنین نکنیم، قانون از کجا آورده ای؟ دردی را دوا نمی کند که کسی را بازجویی کنیم که مال و ثروت را از کجا آورده ای و پول از چه طریقی بدست آورده ای؟ اقتصاد شکوفائی است زحمت کشیده و شب و روز کار کرده و بیک نتیجه ای رسیده اما از آن طرف اسلام می گوید باید حقوق مردم را هم حفظ کنید و باید تجاوز بچقوق هم نکنید، دزدی نکنید، رشوه نخورید و رشا و ارتشاء حرام است در اسلام و قتیکه ما این عقیده را در مردم بوجود آوردیم و جامعه متدینی درست کردیم اینهمه فسادها هم ازین میروند آنوقت یک جامعه صحیح و درست خواهیم داشت، جامعه ای که با عقیده و ایمان است، جامعه میزبانی نمیشود، جناب وزیر آموزش و پرورش، بمسأله دین و عقیده و مذهب در وزارت آموزش و پرورش بیشتر برسید، زیرا آنچه جلوگیری از فساد می کند ایمان است یک انسان مؤمن و با عقیده دور فساد نمیگردد، (صادقی - معلمین نغمه با ایمان هستند) معلمین با ایمان هستند و این خودم افتخار می کنم که از طبقه معلم هستم باید این کوشش را بیشتر کنیم برای اینکه مایک جامعه متدینی خواهیم شد که باید از فضائل اخلاقی و کمالات انسانی هم بهره مند شویم، من از شما تشکر می کنم و از طرف جامعه روحانیت هم از شما وزیر آموزش و پرورش که خودتان از خانواده روحانی هستید تشکر می کنم و بخاطر خستنامه ای که در مورد تدریس قرآن صادر کردید باین خاطر از شما تشکر می کنم زیرا قرآن کتاب آسمانی ماست و عرسمسلمانی باید به کتاب آسمانی اش آشنا و واقف باشد و بتواند بخواند و ترجمه اش را بفهمد، این کمالات خودم این تلاش و کوشش و فعالیت را در دستگاہهای ارتباط جمعی یا بقول یکی از رفقا که دوسین ناطق بود گفت رسانه های گروهی این تلاش و کوشش را کرده ام تا آنجا که توانسته ام برنامه مذهبی را در رادیو و تلویزیون تقویت کرده ام، روزی که برنامه بودجه سازمان رادیو تلویزیون ایران مطرح بود در کمیسیون بودجه من نخواستم آنجا راجع به برنامه های مذهبی و دینی رادیو تلویزیون عرضی کنم زیرا بعضی از دوستانم آنجا تذکر دادند و خواستار برنامه های بیشتری شدند این تلاشی است که سازمان رادیو تلویزیون ایران در همه جنبه های مختلف کرده، چه در تأسیس شبکه های رادیویی و تلویزیونی یکی از دوستان من گفت مادر بنادر صدای رادیو را نمی شنویم

و مردم بنادر مجبورند از صدای کشورهای هم جوار استفاده کنند این بی انصافی است در بندر عباس فرستنده رادیویی و تلویزیونی هست و در بندر لنگه بزرگترین فرستنده تأسیس شده در آبادان سه فرستنده رادیویی و یک فرستنده تلویزیونی هست تمام این خلیج و پهنه دشت ایران صدای ایران را گرفته و مردمی که عاشق ایران هستند و ایرانی هستند و احتیاج به صدای کشورهای دیگر ندارند صدای رادیو ایران را می شنوند، ایرانی صدای ایران را می شنود، ایرانی صبح و بامداد با صدای تلاوت قرآن صدای ایران بیدار میشود و نمازش را هم با صدای آذان رادیو ایران می خواند و با صدای ایران گوش میدهد چون بایران عشق میورزد و بی انصافی است که این همه کوشش و تلاش را آدم نادیده بگیرد، این توسعه ای است که در سازمان رادیو تلویزیونهای ایران هست، من مثل اینکه بنا بقول یکی از رفقا تریبون مجلس را با متیر اشتباه گرفتم بنابراین شروع کردم کمی درباره این مسائل صحبت کردم و لازم هم بود کسی که نماینده روحانی است باید این حرفها را بزند امیدوارم در این لباس که هستم آنچنان که باید و شاید باشم (نمایندگان - انشاء الله) مشکرم، یادداشتهایی رسیده که من با خواندن آنها از مطلب دور میشوم، یکی از مسائلی که امروز مردم با آن مواجه هستند مسئله مسکن است، که دولت عزیز ما گفتند که مسکن و کلاهم بفرکتان باشد، یک پیشنهادی در مورد مسکن دارم میدانید که سازمان مسکن در کشور وجود دارد این سازمان مسکن از بودجه دولت استفاده نمی کند، از اعتبار دولت استفاده نمی کند، پیشنهادی من اینجا دارم که این پیشنهاد را می خوانم.

۱- برای آنکه کلیه کارمندان دولت صاحب خانه شوند مانند تمام کشورهای جهان دولت اعتبار کارمندان خود را در برابر بانکها تضمین نماید تا بدین طریق سازمان مسکن بتواند به کارمندان دولت خانه بفروشد، این اصل مسلمی است برای کسی که کارمند دولت شد یعنی در دستگاہی کار کرد که این دستگاہ دستگاہی است که اداره کننده مملکت است، باید آن دستگاہ برای اعتبار خودش هم که شده است اعتبار مالی کارمندان را هم در نظر بگیرد، یک کارمند دولت وقتی کارمند دولت شد، و در دستگاہ دولت کار کرد باید بداند که دولت تضمین کننده رفاه و آسایش او است و تضمین کننده اعتبار او است.

۲- بانکهایی که از کارمندان سپرده دریافت کرده و پس از مدتی بانها قرض میدهند این قرض را در اختیار سازمان

مسکن قراردادها تا این سازمان با امکانات خود بتواند مسکن مطمئن تر و ارزان تری برای کارمندان بسازد. همین مسئله ای که یک وقتی سرو صدا راه انداخت و با اصطلاح بساز و بفروشها را سرزبانها انداخت که یک عده از خدای خیر و سودجو می آیند، یک باختمانهایی درست میکنند سطحی، بدون در نظر گرفتن قواعد و ضوابط مهندسی و یک کارسندی هم با قرض و قرضه با پس انداز و با زحمت یک مبلغی میروند در بانکی سپرده میگذارد و بعد آن بانک همان خانه را رهنی میکند یک قرضی با میدهد و این خانه را می خرد و بعد از یکسال می بیند این خانه فرومی ریزد و فجایعی بوجود میآورد و موجب ازین رفتن افراد خانواده ای هم میشود برای اینکه این فعالیتها اولاً کنترل شود ثانیاً این بساز و بفروشها باین جنایتها ادامه ندهند و واقعاً خانه مطمئن و صحیح و درستی بدست کارمند برسد و مبارزه با فساد هم بشود. این فعالیت در سازمان مسکن متمرکز بشود.

۳- در صدی از سپرده های مردم نزد بانکها، چند تا بانک هست که بیشتر سپرده های مردم آنجا است. رغبت بیشتری پیدا میکنند و مردم پولهاشان را، سپرده هاشان را بیشتر آنجا میگذارند. آنجا در صدی از سپرده های مردم نزد بانکها بعنوان سرمایه اعتباری سازمان مسکن در اختیار این سازمان در عرصه سال گذاشته شود تا این سازمان از این سرمایه و با فعالیتهای خودش بتواند در تأمین مسکن کوشش و تلاش کند.

رئیس - اینها را بعنوان تبصره بودجه نمیتوان گذاشت - ممکن است یک طرح تهیه بفرمائید و ۱۵ نفر امضاء کنند تا مثل یک لایحه رسیدگی شود.

دانشی - بنده خیالتان را راحت کنم چون رفقا پیش از آنکه جلسه تشکیل بشود سؤال میکردند چقدر دیگر صحبت میکنی؟ اگر خواسته باشیم از همه وزارتخانه هایی که هست صحبت کنیم این مسلم است که حرف هم هست، اشکال هم هست، پیشرفت هم هست همه چیز هست - سخن هم بطول می انجامد. این حرفها را قبلاً گفتند و قطعاً تذکراتی دادند که این تذکرات را هم حتماً دولت صبور و بردبار قبول خواهد کرد. فراموش کردم بگویم روز جمعه که کمیسیون بودجه تشکیل بود نخست وزیر از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۲ بعد از ظهر نسبت به پیشنهادات گوش داد بحرفها گوش داد توجه کرد پذیرفت. این پیشنهاد و این مطالب را مخصوصاً یکی از دوستانمان جناب آقای

نیولی نماینده سیزوار مطرح میکردند باین مسائل توجه بیشتری میکردند. کشاورزی ما که موضوع بحث بسیار داغ گویندگان است همه هم در نظر افش بحث میکنند و نارسائی های که در کشاورزی داریم درباره اش حرف میزنند و گفتگو میکنند فعلاً این نارسائی در امر کشاورزی هست و همه ما قائل هستیم که باز و سبزی و مواد غذایی نیست. این ها علی دارد. علفش این است که مردم ما در اثر وضع بهتری که از نظر مالی و اقتصادی پیدا کرده اند وضع تغذیه شان خوب شده بنابراین عرضه کالا کفاف نمیکند عرضه و تقاضا نسبت به هم خورده و این تنگناها بوجود آمده. اما در مورد کشاورزی خوزستان بنده یک مطلبی دارم که اگر اجازه بفرمائید این مطلب را از روی نوشته بخوانم:

در مورد کشاورزی خوزستان بهترین اراضی کشاورزی خوزستان در شمال خوزستان واقع است که از شبکه آبیاری سد محمد رضا شاه آبیاری میشود. این اراضی که در حدود ۱۴ هزار هکتار قسمتی را شرکت های مختلط ایرانی و خارجی بعنوان کشت و صنعت اداره میکنند که از سال ۴۷ اولین شرکت کشت و صنعت تأسیس شده و با آنهمه تبلیغات نسبت به انواع محصول و اضافه برداشت نسبت به سطح زیر کشت گزارش جامعی تا کنون داده نشده در حدود ۱۰۰۰ اراضی وسیله شرکت های سهامی زراعی و بخش خصوصی کشت و اداره میشوند که قسمت عمده سبزیجات که بنهران و سایر شهرها لز خوزستان حمل میشود از این واحد ها است در سال جاری سازمان آب و برق خوزستان برای هر هکتار حق آبه معین نموده که از ۸۰۰ تا ۱۶۰۰ تومان در انواع محصولات پیش بینی شده است. با توجه به بیانات جناب نخست وزیر در جلسه مشترک مجلسین در روز ۲۶ بهمن ماه که فرمودند راه حلی پیدا کنید که بدون آنکه ارزش محصولات را بالا ببریم به کشاورزان کمک بشود. عقیده دارم برای پیشرفت کشاورزی و کمک به کشاورزان دولت همان حق تأسیسات را که قبلاً از کشاورزان بابت هر هکتار وصول نموده اکفا بشود (۷۵ تومان برای هر هکتار).

در چند سال اخیر در این اراضی در حدود هزار هکتار باغ مرکبات از طرف بخش خصوصی غرس شده که اگر این حق آبه جدید وصول شود باغداری برای کشاورزان سودآور خواهد بود. در مورد سایر محصولات کشاورزی از قبیل گندم با توجه اینکه حد متوسط برداشت در هر هکتار بین ۲ تا

۲/۵ تن محاسبه میشود اگر قیمت بدر شخم کود و کشت و برداشت را حساب کنیم و رقم ۸۰۰ تومان حق آبه را هم بآن اضافه کنیم هزینه در هر هکتار از ارزش محصول گندم یک هکتار برابر نرخ دولت که ۲/۵ تن میشود ۲۰۰۰ تومان بیشتر است بدون در نظر گرفتن سرمایه و استهلاک ماشین آلات. برای دلگرمی کشاورزان و باغداران از دولت تقاضا میشود که مثل گذشته عمل نماید و بگرفتن همان حق تأسیسات اکفا بفرماید.

بنده به عرایض خاتمه میدهم. (احسنت - احسنت) البته به ضابطه زیادی هم هست. صحبت های زیادی هم هست دوستان زیادی نام نوشته اند جناب رئیس هم جلسات را متعدد کرده اند تا ساعت ۱۲ قطعاً کمی که از ساعت ۱۱ به بعد صحبت کند مستمعین خوبی نخواهد داشت. من بهر حال همکارانی که نام نویسی کرده اند و با عشق و علاقه حاضر شده اند تا در این بودجه رستخیزی سخن بگویند فرصت داشته باشند که مقابلشان را بگویند. من به عرایض خاتمه میدهم امیدوارم دولت بتواند تحت رهبریهای دایمانه شاهنشاه آریامهر بوظائف سنگین خودش عمل کند و موفق باشد کمالاتی که تا کنون هم موفق بوده بامید موفقیت های بیشتر و زیاد تر برای ملت عزیز ایران و برای ایران عزیز که دوران رستخیزی خود را آغاز کرده و بامید آن روزی که ما به تمدن بزرگ برسیم و مجد و عظمت گذشته خود را باز یابیم (احسنت - احسنت).

رئیس - آقای دکتر مشیر بفرمائید. دکتر سید مرتضی مشیر - بنده به این مسئله توجه دارم که نمایندگان محترم و همکاران گرامی و نمایندگان دولت از صبح تا حال حوصله بخرج دادند و بیانات نمایندگان را گوش داده اند. بنده هم مطالبی را که در مورد بودجه تهیه کرده ام با عرض معذرت باستحضار میرسانم. همکاران محترم از اینکه دولت دولت جناب آقای هویدا موفق شده اند در سایه ثبات و امنیت اقتصادی و سیاسی کشور که بیرکت وجود شاهنشاه آریامهر نصب ملت ایران گردیده است بودجه غرور آمیز سال ۱۳۵۵ را بمجلس شورای ملی تقدیم دارند بدولت تبریک میگویم و امیدوارم با تدبیر خردمندانه مسئولین امور موضوع کسر بودجه نیز از طریق اعمال صرفه جویی در مخارج و افزایش منابع درآمد مملکتی برطرف گردد و ملت ما در راه نیل با ثبات و آرزوهای شیرین و سوزناک تمدن بزرگ بمقصد نزدیکتر شود.

عرایض اینجناب درباره کلیات بودجه شامل چند قسمت میباشد که باستحضار همکاران ارجمند و هیأت محترم دولت میرساند.

۱- مسئله آموزش و پرورش - راجع بآموزش و پرورش اینجناب معتقد مهمترین سازمانیکه باید افراد خدمتگزار و ناه دوست و مین پرست را تربیت و بجامعه تحویل دهد سازمان وزارت آموزش و پرورش است و در جنبین حائنی که تمایل بتحصول دانش و اکتساب کمالات سر لوحه برنامه هر خانواده است (صحیح است) وظیفه مسئولین امور بسیار حساس و دقیق خواهد بود و کوچکترین غفلت و یا خدائی نخواستیه مسامحه و سهل انگاری موجب عقیم ماندن تمام برنامه های اصلاحی کشور خواهد شد بنابراین بطور خلاصه عرض مینمایم که برای رسیدن باین هدف داشتن بودجه و اعتبار سنگین جهت توفیق و غلبه وزارت آموزش و پرورش بر مشکلات امری لازم نمیشد ولی کافی نخواهد بود زیرا عامل مهمتر داشتن معلم لایق و دلسوز است. که باید نقش سازندگی داشته باشد تا بتواند به بهترین وجه اتساع های باعلاقه و ایمان را تربیت نماید از اینرو وظیفه دولت است که در راه اعتلاء مقام معلم و استاد چه از لحاظ مادی وجه از نظر معنوی کوشش بعمل آورد تا این طبقه با برخورداری از رفاه و آسایش کامل از حیث احترامات اجتماعی نیز مورد توجه مخصوص قرار گیرد (صحیح است) شاید بیان من در راه تجلیل مقام معلم و استاد کاملاً رسا نباشد ولی برای احترام این طبقه شریف همین بس که مولای متقیان در شان و مقام معلم فرموده است:

« من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً » لذا جا دارد مسئولین وزارت آموزش و پرورش جدیدت لازم بکار برند که با جلوگیری از تبعض و خاصه خرجیها و انحصار مقامات مهمه با افراد معین و مشخص طریقی در پیش گیرند که در موقع انتخاب مصادره امور همواره از صلحاء و افراد پاکدامن و متقی که بشاهنشاه و مملکت علاقمند و دلبنده و خوشبختانه تعداد آنان هم زیاد است استفاده شود (صحیح است).

بنظر اینجناب اگر وزارت آموزش و پرورش بخواهد بوظیفه خود قیام و اقدام نماید فساد در نطفه خفه خواهد شد و محصول این مکتب معلم با ایمان - افسر شجاع - قاضی شریف - وکیل دادگستری مدافع حق و عدالت - کلهمندان وظیفه شناس و متصدیان

غالبمقام و دلسوز در تمام سطوح و بالاخره اجتماع صدرصد صحیح و سالم خواهد بود.

از جناب آقای شریفی انتظار میرود که با تحرك بیشتر کارخانه بزرگ تعلیم و تربیت مملکت را بشا هراه سعادت و خوشبختی هدایت نمایند و یقین دارم که چنین امری چندان دشوار هم نیست و من پیش وجدان خود و در برابر شاهنشاه بزرگ و ملت ایران سربلندم که کراراً در مجلس شورای ملی برای بهبود وضع فرهنگ مملکت تذکر داده و دین خویش را در این مرحله اگر واجب کفائی باشد ادا ساختم (احسنت).

برای جلوگیری از تکرار مکررات توجه هیأت محترم دولت را بمسئول و جواب خود از وزارت آموزش و پرورش جلب و انتظار دارد همانطور که معاون محترم پارلمانی در کمیسیون طرح سنوالات وعده دادند نسبت بچیران کمبود معلم و وسائل کار و اقدام لازم جهت کسب امتیازات گذشته فرهنگیان و استفاده از وجود صلحاء و افراد خوشنام و تصفیه نمسکه از کسانی که حسن شهرت ندارند و یا در مظان اتهام هستند به پیشرفت و ترقی و تعالی مملکت بگونه ای که موجب رضایت خاطر خطیر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر است نائل گردند.

۲- موضوع دانشگاه و تحصیلات عالی - تحصیلات عالیه جدید ایران که در زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر تسلسله دومان پهلوی با تأسیس دانشگاه تهران پایه گذاری شده و بحمدالله در عصر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر آنچنان گسترش یافته که در بیشتر نقاط کشور مدارس عالی و دانشکده ها و دانشگاهها ایجاد گردیده از جانب همشهریان خود اینجناب بعنوان حق شناسی از دولت و جناب آقای دکتر فرهنگ مهر رئیس دانشگاه پهلوی که برای تأسیس دانشکده پزشکی فسا در حوزه انتخابیه ام اقدام نموده اند تشکر مینمایم و چون کمک ۳ میلیون ریالی بودجه سال ۵۵ نمیتواند جوابگوی نیازمندیهای دانشکده مذکور باشد از جناب آقای وزیر علوم و آموزش عالی خواهش دارم ترتیبی اتخاذ فرمایند که برای تکمیل احتیاجات دانشکده مزبور اقدام مؤثر معمول گردد.

ضمناً بعلمت اینکه مدرسه عالی پرستاری نیز در فسا دائر شده از جناب آقای نخست وزیر و مسؤولین علوم و آموزش و پرورش تقاضا دارم دستور فرمایند برای تأمین کمبود معلم در سطح کشور نسبت باحتیاج دانشسرای عالی و دانشسرای راهنمایی مطالعه لازم بعمل آید تا بتوان

برای سال تحصیلی ۵۵-۵۶ در شهرستان فسا که آبادگی تأسیس دانشگاه کاملی دارد این قبیل مؤسسات عالی افتتاح گردد و نظر باینکه موکلین اینجانب گله دارند که در طول دوره نخست وزیری جناب آقای هویدا حوزه فسا مورد بازدید رئیس محترم دولت قرار نگرفته انشاءالله بشرحیکه نوید فرموده اند موجباتی فراهم خواهد شد که در آینده نزدیک از این شهر تاریخی بازدید فرمایند (انشاءالله)

تقاضای دیگر اینست که اگر در تقسیمات جدید کشور باید امتناهایی اضافه بشود استعداد جغرافیائی و اقتصادی این منطقه را برای ایجاد مرکز استان فراموش نفرمایند. در اینجا وظیفه خود میدانم چند کلمه ای نیز راجع بدانگاه فرج پهلوی بعرض همکاران محترم برسانم. در اوائل سال ۱۳۴۳ روزی در منزل جناب آقای دکتر کریم قاضی رئیس فعلی دانشگاه فرج پهلوی که مرحوم نظام وفا هم حضور داشت ایشان نسبت خود را برای تأسیس یک مدرسه عالی دختران اعلام داشتند و از ما کمک خواستند که دست همکاری بایشان بدهیم و ما علیرغم مشکلات بسیاریکه وجود داشت و هنوز هیچ مؤسسه آموزش عالی خصوصی در کشور ایجاد نشده بود بفکر دکتر فاطمی که با سرمایه شخصی حاضر با افتتاح چنین مؤسسه ای شده بود احترام گذاشتیم و آمادگی خود را برای همکاری اعلام داشتیم امسوس که عمر مرحوم نظام وفا کفایت نداد تا ثمره دانشگاه عظیم فعلی را از نزدیک به بیند و آن راد مرد بزرگ در اواخر سال ۱۳۴۳ درگذشت.

باری در سال تحصیلی ۴۳-۴۴ مدرسه عالی دختران ایران با تعداد اندکی همکاران آموزشی و اداری آبروزی در محل استیجاری (خیابان ایرانشهر) با کسب اجازه از پیشگام اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و تشویق علیا حضرت شهبانوی نیکوکار با ۹ نفر دانشجویان که بکار کرد و در مدت کوتاهی تعداد دانشجویان که منحصر از طبقه نسوان تشکیل میشد بتدریج بصد هانفر و پس به ۲۵۰۰ نفر افزایش یافت البته از سال ۱۳۴۶ که از محل عطایاتی علیاحضرت شهبانوی فرهنگ دوست ساختمانهای معظم این مؤسسه عالی در اراضی اوقافی مرحوم مستوفی التمالک در ونک خاتمه یافت و مدرسه عالی به آنجا منتقل گردید سعی شد از کمیت کاسته و کیفیت پرداخته شود در نتیجه دیگر عمده دانشجویان

سیر صعودی نیافت و تعداد آن در مرز ۲ هزار تا دوهزار و پانصد نفر متوقف گردید. علیاحضرت شهبانو کراماً از مدرسه عالی دختران ایران بازدید فرموده و مؤسس و کارکنان و دانشجویان را مورد تشویق و مرحمت قرار دادند، جناب آقای نخست وزیر نیز در چند بار بازدید ضمن ترغیب متصدیان امر از کمک و مساعدت مادی و معنوی مضایقه نکردند. در اوائل سال ۱۳۵۴ امریه مبارک ملوکانه شرف صدور یافت تا مدرسه عالی دختران که در سال اول تأسیس بصورت مؤسسه غیرانتفاعی اداره میشد و تمام دارائی آن که بجاواز از پانصد میلیون ریال بود و ملت ایران تعلق داشت تحت ریاست عالییه علیا حضرت شهبانوی ایران مبدل بدانگاه فرج پهلوی گردید و بدین ترتیب دانشگاه جدید از اول سال تحصیلی ۵۴-۵۵ با سازمان بهر و کامتری شروع بکار نمود (احسن) از هیئت محترم دولت بخصوص جناب آقای وزیر مشاور و ریاست سازمان برنامه و وزیر علوم و آموزش عالی که برای سال آینده این دانشگاه مبلغ ۳۸۶/۲۸۱/۰۰۰ ریال در بودجه منظور فرموده اند تشکر مینمایم و ضمن جلب توجه جناب آقای نخست وزیر بارقام بودجه سنگین سایر دانشگاهها تقاضا دارد موجبات رفاهی استادان و کارکنان و خدمتگزاران این دانشگاه را از لحاظ مسکن و سرویس ایاب و ذهاب و تأمین حقوق و مزایا در حد دانشگاههای پهلوی و ملی فراهم فرمایند. در اینجا لازم میدانم از زحمات جناب آقایان: دکتر اقبال - مهندس ریاضی - دکتر علی اکبر سیاسی - دکتر مصطفی الموتی - ستانور صفاری - علی دهقان - دکتر محسن نصر - دکتر جلال کسایی - دکتر مشایخی - دکتر حسن افشار - صدری کیوان - هاشم جاوید - رحیم زهنا بفر و عده ای دیگر که در هیات امنا مدرسه سابق عالی دختران ایران افتخاراً خدمت نموده اند و همچنین جناب آقای دکتر کریم فاطمی و کلیه اساتید عالیقدر و رؤساء و کارکنان اداری این مؤسسه عالی که صادقانه مجری بنویات ملوکانه در راه خدمت بمملکت بوده اند بعنوان تنها عضوی که از این دستگاه در عصر رستاخیزه نمایندگی مجلس انتخاب شده ام مراتب حق شناسی خود را از نامبردگان در ساحت مقدس مجلس شورای ملی معروض دارم. (احسن) ۳- موضوع قضات دادگستری - در این مورد چون بظن قوی دیگر همکاران، تذکراتی خواهند داد مطلب

را بطور اختصار عنوان و توجه هیات محترم دولت را برای تأمین رفاه و آسایش این طبقه شریف که مجری عدالتند جلب مینماید. یقیناً قوه قضائیه کشور قادر خواهد بود که در تعمیم عدالت اجتماعی و تمیز حق از باطل نقش مؤثر و مفیدی را ایفا نماید (صحیح است).

درباره مبارزه با فساد نمایندگان مجلس و جراند دو همه جا داد سخن را دادند و دولت هم در اجرای اوامر ملوکانه کمال جدیت برای رسیدن باین هدف بکار خواهد برد و منم سهم خود علاقمندم که دامنه این مبارزه در سطح وسیع و گسترده ای بمنظور قلع و قمع مفاسد شدیداً و فویاً تعقیب گردد اما بنابر اصل کلی عقیده دارم که دستگاه قضائی کشور مکلف است با دقت و امان نظر هر چه بیشتر بطرفی عمل نماید که حتی از احدی ضایع نشود و بیجهت فرد نیگناهی قبل از ثبوت اتهام و صدور حکم قطعی لکه در این نگردد.

۴- مسئله وکالت و کلاء دادگستری - یکی از مظاهر عدالت جامعه و کلاء دادگستری است که وظیفه خطیر و دشواری بعهده دارند و اینان هستند که برای دفاع از حق از زوایای تاریک و پیچیده مسائل اجتماعی را روشن میسازند تا قضات عدلیه با بیش بیشتر رأی عادلانه صادر نمایند. (صحیح است)

جناب آقای نخست وزیر، کلاء دادگستری بنابر سوگندیکه در موقع اخذ پروانه وکالت یاد نموده اند بحق از مؤمنین بنظام شاهنشاهی و قانون اساسی ایران و انقلاب شاه و ملت هستند و این گروه در مواقع حساس نشان داده اند که جز احقاق حق و دفاع از مظلومین و تعقیب ظالمین شعار و دثاری در پیش نداشته اند.

جناب آقای هویدا برای حل مشکلات جامعه و کلاء دادگستری در زمان ریاست دولت جنابعالی قدمهایی برداشته شده که انشاءالله باید آنرا تکمیل فرمائید ابتدا کوشش بعمل آوردید که مسئله وکالت تسخیری بگونه ای حل گردد و برای اینکار اعتباری اختصاص داده شد و امسال هم در بودجه دولت مبلغی در حدود ۲ میلیون تومان پیش بینی گردیده ولی متأسفانه تقسیم چنین وجهی برای دفاع از پرونده های عدلیه محاکم جنائی در سراسر کشور کافی نیست و دولت قادر خواهد بود بر اساس آیین نامه وکالت حق الوکاله و کلاء تسخیری را از محل

صرفه جوئیهای عمومی تماماً تأمین و پرداخت نماید. (صحیح است)

از اینکه برای اولین بار بنام کمک بصدوق بازنشستگی و کلاء مبلغ سی میلیون ریال در بودجه منظور فرموده اید بنام یکفرو وکیل دادگستری از طرف خود و جامعه و کلاء از جنابعالی تشکر مینمایم و نیز از مساعی همکار محترم جناب آقای دکتر دادفر رئیس کمیسیون بودجه که قطعاً در اینکار خیر بی اثر نبوده اند به نیکی یاد میکنم. جناب آقای نخست وزیر اجازه فرمایید گله و کلاء دادگستری را هم مطرح سازم اگر بخاطر بیآوردی در اوائل سالهای ریاست دولت جنابعالی طرحی بابت کارسنتاوریهای محترم باسم الزامی شدن وکالت در مجلس سنا مطرح و پس از شور و مذاکره کافی بتصویب آن مجلس رسید و سپس در مجلس شورای ملی هم مطرح و مورد تأیید قرار گرفت. خلاصه مفاد طرح این بود که کلیه دعاوی مطروحه در مرحله پژوهشی و فرجامی باید بوسیله و کلاء دادگستری اقامه گردد و افزاد برای مرحله نخستین مختار هستند که شخصاً و یا بوسیله وکیل خودشان دادخواست تقدیم دارند هر چند چنین طرحی عدد درصد مترقی نبوده و اوضاع و احوال کشور ما که در راه رسیدن بتمدن بزرگ است ایجاب نموده و مینماید که هیچ امری بدون دخالت و مشاوره وکیل دادگستری انجام نگردد. معذکرت همین طرح ناقص هم که تا حدی نمیتوانست با اجرای عدالت و احقاق حق کمک بنماید و از گرفتاریهای دادگستری بکاهد پس از تصویب و تشویح ماو کانه هرگز قانون اجرا نشد و سرانجام دولت پیشقدم گردید که با تصویب نصره ای کارمندانیکه داعیه اطلاعات حقوقی داشتند بعنوان مشاور حقوقی در دستگاههای دولتی بپذیرد و بعداً در لایحه دیگری اصل موضوع را منتفی ساختند.

جناب آقای نخست وزیر از جنابعالی تقاضا میکنم دستور فرمایند مطالعه و بررسی شود که نحوه عمل کشورهای نظیر فرانسه - انگلستان - آمریکا - آلمان - ایتالیا - بازیک و سوئیس و غیره از لحاظ جامعه و کلاء بچه کیفیتی میباشد و آیا در آن کشورها مسئله ای بدون دخالت وکیل دادگستری و یا مشاور حقوقی مطرح و عنوان میشود یا خیر؟ اگر باین نتیجه رسیدید که موقعیت پیشرفته کشور ایجاب مینماید که مقررات جامعه وکالت ما باید کمتر از موازین قانونی سایر ممالک یاد شده نباشد موافقت فرمائید در اسرع اوقات طرح جامعی از طرف و کلاء دادگستری که در این دوره افتخار نمایندگی مجلس را دارند با همکاری اولیاء وزارت

دادگستری تهیه و مجلس تقدیم دارند تا در دولت جنابعالی این امر مهم و ارزنده بتصویب قوه قانونگذاری برسد. ضمناً برای اینکه تخطئه نشود که وکلاء دادگستری قصد نفع شخصی دارند یادآور میشوم که در مفاد طرح قید خواهد شد هر کس قادر بپرداخت حق الوکاله نباشد میتواند برطبق موازین قانونی از داشتن وکیل معاضدتی و مجانی در کانون های وکلاء برخوردار شود. (صحیح است) بدین ترتیب اشخاصیکه عامل فساد و کارچاق کبی و تطویل دادرسی بعزت عدم ابلاغ دستورات واحکام دادگاهها هستند و وضع دادگستری را بازوبند و طرح بسیاری از دعاوی بسبب و بی اتناس بصورت بازار مکازه ای درآورده اند دستشان از ارتکاب اینگونه اعمال برخلاف قطع و عدالت اجتماعی بطریقه دنیا پسندی رعایت خواهد شد.

جناب آقای نخست وزیر ما در جشنهای استقلال کانون وکلاء مرکز همدساله ناظر و شاهد بوده ایم که جنابعالی برای استقرار کامل عدالت اجتماعی وعده اصلاح این مشکل را میدادید و کمال حسن نیت را هم ابراز میداشتید ولی وقتی کار یکمسیون بازی میکشیدو آنها از اسباب بی افتاد قضیه تا تجدید مطلق آن درسال بعد مشمول مرور زمان میگردد، تصور میروود اینک زمان آن رسیده که هرراهی دنیای مترقی انتخاب کرده است بسوزات برخی از اصلاحات عدلیه ماهم همانرا قبول نمائیم.

مطلب دیگر برطبق قانون منع مداخله مصوب سال ۱۳۳۷ پیش بینی شده که وکلاء دادگستری در دوره نمایندگی مجلسین بغیر از ادامه کارهای سابق حق وکالت در محاکم ندارند، اگر در آن روزگاران وجود چنین منعی محتملی داشته است امروز که همه ملت ایران در زیر پرچم یک حزب واحد قرار گرفته اند و بقضات اجازه دخالت در سیاست داده شده خیال میکنم ممانعت وکلاء دادگستری از انجام حرفه و فن خود عادلانه نمیباشد (صحیح است) آیا اطباء و مهندسين و تجار و سایر اصحاب حرف که بنمایندگی مجلسین انتخاب شده اند از حق طبابت یا مهندسی و یا سایر امور محروم شده اند تا چنین استثنائی در حق وکلاء دادگستری هم اجرا گردد؟ امیدوارم جناب آقای وزیر دادگستری که در ملاقات چندماهه قبل حق را بجانب وکلاء میدادند این مشکل را حل سازند.

• مسکن واجاره - درخصوص برنامه مسکن و

اجاره با تذکرات و گتگوهاییکه در مجلس ودولت و مطبوعات پیش کشیده شده باید اذعان کرد که این مسئله منحصر به مملکت ما نیست و در سراسر جهان کم و بیش چنین مشکلی وجود دارد البته باید درصدد رفع دشواریها بود.

جناب آقای نخست وزیر اینجانب در یکی از نطقهای بعد از دستور به بسیاری از گرفتاریها ومشکلات مسکن اشاره کردم و مخصوصاً بوضع مسکن فرانسیسیها درسال های ۱۹۱۸ تا ۱۹۴۸ بدان گرفتار شده بودند تذکر دادم چه نوع گرفتاری آنها باوضع فعلی ما شباهت داشت و در همه جا یکطرفه قانون از مستأجرین حمایت میکرد تا بالاخره قانون اختصاصی سال ۱۹۴۸ که تاحدی جنبه مترقیانه داشت بتصویب رسید و بیزان قابل ملاحظه ای رفع مشکلات نمود ولی باز هم چون قانون موصوف از لحاظ قلمرو سه گانه ایکه در امر اجاره داشت ناگزیر درسال ۱۹۶۲ و سپس درسال ۱۹۶۷ اصل آزادی بین مالک و مستأجر پذیرفته شد و امروز فرانسیسیها کمتر احساس کمبود مسکن مینمایند.

ما در عمل دیدیم که قوانین مختلفه دوساله اخیر که دولت از روی حسن نیت بمجلس شورای ملی تقدیم داشت و بتصویب رسید نتوانست کمکی بهبود اوضاع بنماید تا آنجا که جناب وزیر مسکن و شهرسازی در مصاحبه با روزنامه رستاخیز اعتراف کردند که قوانین تثبیت مال الاجاره و خرید و فروش زمین مشکلات حل نساخته و مزید بر علت گردیده است.

البته قریباً لایحه قانونی مالک و مستأجر که از طرف حزب بنظر خواهی عموم گذاشته شده بدولت یا کمیسیون دادگستری تسلیم خواهد شد تا قانون جامعی که حافظ مصلحت مالک و مستأجر باشد تهیه و بتصویب برسد و بتدریج رافع مشکلات فعلی گردد ولی بعقیده اینجانب اگر این دو مسئله:

الف - آزادی مالک و مستأجر در تعیین میزان مال الاجاره.

ب - تخلیه محل استجاری در صورت تقاضای مالک پس از ۲ تا ۳ سال محل یثود و دولت هم با برنامه بسیاری سعی در اراضی باصطلاح خارج از محدوده اقدام بساختنهای ارزان قیمت برای کارمندان و مستخدمین و سازمانهای وابسته خود بنماید و بدیگران هم اجازه بدهد بدون شک ما موفق خواهیم شد وضع نلراحت کئنده

موجود را مهار کنیم در اینصورت با احداث ساختمانهای جدید موضوع تابع قانون عرضه و تقاضا خواهد بود و خواه ناخواه پروبلم حاضر در مان پذیر است.

۷- کارمندان دولت و بازنشستگان - جای تردید نیست که چرخهای امور اداری کشور در دست کارمندان قرار دارد و در این عصر درخشان یکی از برنامه های مترقی، انقلاب اداری است که باید بنحو اساسی و اکمل صورت تحقق بخود بگیرد تا همانطور که جامعه انتظار دارد کارها با سرعت و امکانات معقول پیش برود و هر کس مرتکب خطائی شد مجازات و تعقیب گردد مسلمانی که بهبود وضع زندگی و خانواده کارمندان دولت بقرچاچه است و درسال آینده باین طبقه حقوق بگیر که دارای درآمدی هستند مساعدتهای لازم خواهد نمود تا با دلگرمی و آرامش خیال وظائف محوله را بخوبی انجام دهند.

نسبت بکارمندان بازنشسته دولت نیز غالباً مشکلاتی واضل میشود که از دولت توقع کمک و مساعدت دارند و چندی قبل عده ای از من خواسته بودند که تذکر بدهم دولت از فکر آنان که سالیان دراز بشاهنشاه و مملکت صادقانه خدمت نموده اند غافل نمانند عدالت اقتضا بنماید کسانیکه قبل از تصویب قانون استخدام فعلی بازنشسته شده اند وضع آنها را از لحاظ طبقه بندی بر اساس مشاغل و مقاماتی که در گذشته داشته اند تطبیق داده شود و از این حیث تعداد بی شماری از خدمتگزاران صدیق که آفتاب عمرشان بلب بام نیشته است از خود راضی و خشنود سازیم (صحیح است).

جناب آقای سناتور دها رئیس کانون بازنشستگان با اینجانب تذکری دادند که در متن قانون قید شود کمک جنسی و غیر نقدی مندرج در بودجه دولت شامل حال کارمندان شاغل و بازنشسته میباشد تا حقوق ثابت ای که درباره بازنشستگان برقرار بوده و تا کنون از آنان استفاده نموده اند از آنها سلب نشود. (صحیح است)

مطلب دیگر راجع بکمک به خانم الاجرارد رئیس سابق دبیرستان مهرآئین شیراز است که سوابق آن در نخست وزیری موجود است و امر به آن از طرف شاهنشاه آریامهر صادر گردیده و اگر دولت موافقت بنماید که باین خدمتگزار کهنسال ۷۰ ساله بلا وارث بطور مستمری کمکی بشود یقیناً این عمل مدوح و مستحسن در حق یک نفر خدمتگزار صدیق بسیار شایسته و بیجا خواهد بود.

۸- وزارت راه و ترابری - درخصوص احتیاجات راههای استان فارس که در جلسه همگانی نمایندگان فارس

دروازت راه مذاکره شد و جناب آقای وزیر راه وعده مساعدت دادند امیدوار است در برنامه ها فراموش نگردد و در اینجا توجهشان جلب مینماید که مردم فارس انتظار دارند شاهراههای شیراز به بندر عباس و شیراز به کرمان هرچه زودتر عملیات اسفالت آن خاتمه یابد تا مورد بهره برداری قرار گیرد.

۹- درخصوص برنامه کشاورزی چون سایر ناطقین منصلاً صحبت کرده یا خواهند کرد بحثی نمی نمائیم ولی همانطور که در جلسه مشترک نمایندگان مجلسین که با حضور جناب آقای نخست وزیر تشکیل شده بود و تذکر دادم امر بیمه کشاورزی بسیار ضروری و لازم میباشد امیدوارم وزارت کشاورزی در آینده نزدیک لایحه جامعی تهیه و بمجلس تقدیم دارد تا در برابر حوادث و اتفاقات ارضی و سماوی جبران ضروریان زارعین کشور بشود (صحیح است).

۱۰- درخصوص شهرداری تهران ناگزیر هستم تذکر بدهم که چرا مبلغ گزافی از عواید مملکت باید صرف عملیات شهرداری مرکز بشود در حالیکه چنین دستگاهی با همه امکانات وسیعی که داشته است نتوانسته موجبات رضایت ساکنین پایتخت را فراهم سازد و فی المثل امر ترافیک بصورت درد بیدرمانی بیرون آمده که همه از آن بی نالیم. راجع باعمال ماده ۱۰۰ قانون شهرداری دایره تخریب خانه ها و ساختمان ها باید عرض کنم که این امر اثر سونی در مردم بختیسته و واقعاً اگر قرار باشد خانه های خراب بشود باید اقدام بتخریب خانه مسئولین امور شهرداری گردد که چرا در اجرای قانون مسامحه و اهمال روا داشته اند تا بتائی بدون جواز خاتمه یابد و سپس با کلنگ مأمورین بلدی بناها ویران شود از حوصله ای که برای شنیدن عرایض میذول فرمودید سیاستگزارم. (احسن است)

رئیس - آقای بنی احمد بفرمائید.

بنی احمد - بودجه ای که دوات امسال تقدیم مجلس شورای ملی کرده است از لحاظ صراحت ارقام و اعداد و از نظر وضوح و روشنی مواد و فصول شاید یکی از جالبترین و در عین حال روشن ترین بودجه هائی باشد که طی بیست سال اخیر تقدیم قوه مقننه شده است. با یک نظم منطقی و بایک برداشت علمی از بودجه نویسی اما چیزی که من در این بودجه دنبال آن میگورم و پیدا نمی کنم نظم توزیع و عبارت بهتر عدل توزیع است شاید

ما در جامعه خودمان وقتی مطالعه میکنیم باید همه جانبه مطالعه کنیم جامعه هم وقتی از انسان تشکیل شده است درست مثل یک ارگانیسم زنده میباشد که حیات دارد. همه چیزش باید متعادل باشد مادر جامعه خودمان یکی از مسائلی که با آن روبرو هستیم و بحق هم با آن مواجه هستیم مسأله جوانان است اگر دنیا به جوانان توجه میکند قه بخاطر این است که می خواهد به جوانان رشوه بدهد و سکوت بگیرد نه اینکه میخواهد بگوید درس نخوانید نمره بگیرید نه اینکه می خواهد تنها به آنها بورس بدهد یا غذای مفت و رایگان برای آنها تهیه کند. عین اینست که جوان به عمر و اندیشه بر خون و متحرک خودش سازنده است بدلیه اینست که آنچه که جوان میکند به نیروی جوانی میکند و به استعداد جوانی میکند. من و دیگران نمی توانیم انجام بدهیم. بهمن دلیل سرمایه گذاری روی نسل جوان یکی از بهترین نوع سرمایه گذاریها است. برای نمونه در یکی از سازمانهای جوان خودمان که تلویزیون ملی ایران باشد با پیاده کردن کارها بدست جوان ها آنها که خوب میدانند و میتوانند خوب بیازند. چنانچه ممکن است در بعضی موارد بد سازند. افرادی ندارد. بتدریج درست میشود بنده برای ایران جوان فکر خیلی احترام قائم در یک جامعه رهبری را نمیشود از ایران گرفت دوگل در سن ۷ سالگی فرانسه را ساخت ولی مسأله جوان ها یک مسأله بسیار ظریف و حساسی است. خوب روزگاری بود که جوانان در میزبان خانواده بودند پدر دست پرورش را میگرفت اگر بازرگان بود بازرگان تربیت میکرد هر کسی که داشت او را هم بهمان صورت تربیت میکرد درس معنی برایش زن میگرفت و درس معنی سرمایه به آن میداد و درس معنی برایش خانه فراهم میکرد. اولاد در میزبان خانواده بود بتدریج که ما پیشرفت کردیم و جامعه پیشرفت کرد نظام آموزشی میان آمد جوان ها رفتند به میزبان نظام آموزشی این مرحله یکی از مراحل مهم تربیت نسل جوان است نسلی که آینده را میبازیم بدست او حالا دنیای پیشرفته امروز جوان ها را از میزبان نظام آموزشی دنیای امروز جدا کرده در کشورهای خارج کرده اند و کشور ما هم چه خواهیم چه نخواهیم جوان ها از زیر این میزبان بیرون خواهند رفت حتی ضرب المثل ها هم بهمن ترتیب بین مردم رایج بوده و هست قدیم میگفتند که فرزند و اولاد بزرگتر از پدر خود نمی شناسد از دورانی که ما فرزندان خودمان را در جامعه خودمان تربیت

میکیم. می بینیم که حرفی مامی ز نیم گوش نمی کنند حرفی که برادر بزرگتر به برادر کوچکتر و بچه محصل خود میزند توجهی ندارد. فقط میگوید معلم من چنان گفت خانم مدیر من چنان گفت این نشانه آنست که ما در زیر چنین نظام آموزشی هستیم اما دنیایی که دنیای غرب اطلاق میکنند جوان ها از میزبان نظام آموزشی بیرون رفته اند. مدتهاست که این بود جوانی که زیر کنترل خانواده نسبت به کنترل نظام آموزشی نیست که یک افکار، یک اندیشه، یک ارشاد از یک کانال حساب بنده دقیق باو داده بشود پس چکار باید کرد؟ حتی سالها نتوان مطالعه بود و حساب کردند وقتی ما فقط ۲۰ درصد میتوانیم افکار مشخص و معین را که صلاح جوان در آن است که بگیرد باو بدهیم و ۸۰ درصد از بیرون و از اجتماع بگیرد چکار باید کرد؟ اما آنها جواب را پیدا کرده اند چگونه پیدا کرده اند؟ وسیله چه کسانی پیدا کرده اند؟ وسیله کسانی به این مشکل اجتماعی جواب داده اند که زیر نظام آموزشی صحیح تربیت شده بودند. افرادی که توانائی ارشاد را داشته اند نظام آموزشی که بتواند افراد مؤمن و معتقد تربیت کند که تنها در آن دسته ای که این قدرت را دارد با مشکل روبرو نیست بلکه در آینده در مرحله نجوم وقتی که نسل جوان از زیر سطح آموزشی بیرون میرود با مشکلاتی روبرو است. چه کسی میتواند تغذیه نسل جوان خارج از محدوده شده را تأمین کند؟

ذات نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش

می خواهم ببینم در این مرحله حساس آیا ما قضاوت آموزشی خود را درک میکنیم که در آن مرحله سوم دچار خطای افکاری که میتواند نسل جوان ما را رهبری کند نگردیم. پس تلویزیون را مثال آوردم به جوان هایمان بدهید فرصت بدهید قبول دارم مدرسی ما کسانی که رهبری نظام آموزشی ما را قبول دارند اینها باید بفکر فردی ما باشند در دستگاههای اجرایی هستند افرادی هم صلاحیتشان مورد قبول است هم کار سیاسی شان هم ایمان و اعتقادشان خیلی خوب است اما وقتی این یک گل در گلدان است و در آن سرخس و بونه است کسی که وارد اطاق میشود تنها یک گل می بیند بگذارد کلهای دیگری هم در این گلدان باشد یک گل هم چند سانتیمتری چند سرگردنی بالاتر. چندی پیش برنامه ای از تلویزیون

ملی ایران دیدم که زندگی و شرح حال زندگی نقاش معروف شاگال بود. آن چنان عالی تهیه شده بود و پای متقین علمی و هنری در آن ظریف گنجانده شده بود که آدمی لذت می برد و این چیزی است که رسالت ارتباط جمعی است. بنام مقصد در این برنامه آندره مالرو صحبت میکرد این برنامه را تلویزیون ملی ایران در یک کشور خارجی تهیه کرده بود که شاید برنامه ای نمونه بود حتی در کشوری که تهیه شده بود این گل ها اگر پرورش پیدا کند جامعه ما عطر و بوی آنها را خواهد گرفت. اینجا اشاره به مطبوعات شد و نقش مطبوعات در ساختن مطبوعات رکن چهارم مشروطیت ایران بنظر من قدرت اینها در ۲۰ صفحه بودن ۲۸ صفحه بودن بیشتر کمتر بودن نیست قدرت اینها در درک مسؤلیت روزنامه نگاری آنهاست از یک طرف و فرصتهایی است که ما برای رشد این وظیفه و رسالت در اختیار آنها میکنیم. در حال حاضر حساب کرده اند که مطبوعات کشور، مطبوعات شهرستانها، تنها مراعات و اداره آنها از طریق آگهی هاست مخصوصاً روزنامه های شهرستانها از طریق آگهی ها اداره میشوند. وقتی آگهی یک استان بین چند روزنامه درست میشود اگر یک روزنامه باشد آن تقسیم میشود و چند روزنامه خوب نخواهد بود اما اگر یک روزنامه باشد آن امکان ارشاد و آن توانائی هدایت را که ما انتظار داریم و منتظر آن هستیم خواهند داد. اما من فکر میکنم روزنامه هم از آنها است که باید بین آنها و مردم آن ارتباط پیدا شده باشد که بدون آگهی های دولتی هم بچرخد این ۲۰ درصد در رسالت روزنامه نگار است ۳۰ درصد آن در فرصتهایی است که ما در اختیارش میگذاریم. سنا آن ۲۰ درصد صلاحیت روزنامه نگاری را براساس توانین موجود ما پیاده کنید و این فرصت ها را در اختیار بگذارید حتی آنها آگهی ندهید ببینید چند روزنامه پارس شیراز میتوانند داشته باشیم؟ در حقیقت بودجه جلوگیری از ولخرجی و صرفه جوئی میان آمد اما صرفه جوئی درجی و از کجا و چگونه؟ بنظر من سازمان های دولتی باید نمونه خوب صرفه جوئی باشند نمونه خوب جلوگیری از اسراف و تبذیر باشند ما امسال در یک سازمان کوچک دولتی دیدیم که بلحاظ عدم مدیریت از یک طرف و ولخرجی از طرف دیگر میشود گفت یک برنامه معمولی، بردن حجاج را بنحو بسیار بد عمل کردند حجاج را در شرایط نامساعد بردند و در شرایط نامساعدتر برگشت دادند در زیر سرما و در زیر باران در گل و لای و در مساجد

که کفایت حجاج را نمیکرد با وضع ناگوار حجاج را بردند و از هر حاجی ۵ هزار تومان هم گرفته بودند و عده ای زیاد بعنوان ناظر حج همراه آنها رفتند که نه صلاحیت نظارت داشتند نه موردی برای نظارت وجود داشت تعداد هم خیلی زیاد بود من نامه ای نوشتم و از سرپرست اوقاف تعداد این افراد را با سمت هایشان پرسیدم تاریخ رفت و برگشت را. منتها بعضی چیزها هست که قابل جواب است ولی قابل دفاع نیست تا امروز بمن جواب ندادند معلوم شد که قابل جواب هم نبرده چرا؟ برای اینکه چطور میتوان گفت که فلان مدیر کسب وزارت آموزش و پرورش را از سر خدمت برداشتند و بعنوان ناظر حج فرستادند! یا فلان مدیر عامل را! اینها یک نمونه کوچک و در عین حال یک نمونه بزرگ از عدم مدیریت است. اما مسئله کشاورزی من متأسفم که آقای وزیر کشاورزی تشریف ندارند خوب معاونشان تشریف دارند همانطور که گفتم کشاورزی ما آفت گیر شده است یکی از علل اصلی عدم علاقه کشاورزان بزراعت گندم دیر اندیشی است کشاورزی ما آفت گیر شده است این جمله در صورت مذاکرات مجلس هم ضبط است آقای نخست وزیر دستور دادند یک جینی رفت با ذرات پیمان مرکب طرز یک مرجع جزئی از یک مرجع کشاورزی و از یک مرجع صلاحیت دار اجرایی رفتند تحقیق کردند خوشبختانه تحقیق و بررسی اینها در آتانهای درسته نبود آمار و ارقام هم نبود فقط پنج روز رفتند بدهات با مردم دهاتی طرف شدند و بعد آمدند گزارش تهیه کردند که من قسمتی از آنرا اینجا قرائت میکنم علل اصلی عدم علاقه کشاورزان به زراعت گندم را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد: ترقی بیش از اندازه دستمزد کارگران کشاورزی در مقابل هزینه در نتیجه بالا رفتن هزینه شخم کاشت، برداشت گندم و وسائل کار کشاورزی و ماشین های مربوطه ملاحظه میفرمائید بجای اینکه وزارت کشاورزی خدمات کشاورزی را ارزان کند یک گزارش بستند میگوید: بالا رفتن وسائل کلون کشاورزی! ارزان شدن قیمت گندم نسبت بسال گذشته عدم پرداخت مساعده و سایر کمکهای دولت نظیر آنچه که درباره چغندر قند و دانه های روغنی و توتون و جای عمل میشود - هزینه بیش از درآمد است. برداشت یک هکتار گندم آبی در شرایط موجود و روشی که در قسمتی از کشور انجام میشود با ارقامی بشرح زیر روبرو هستیم هزینه دیسک، سپردن پدر بخاک

مجموع هزینه‌ها را میخوانم ۱۸۲۵۰ ریال برای هر هکتار و با این مبلغ باید هزینه جاری زمین که در مناطق مختلف حداقل دوهزاروپانصد ریال در سال است معایبه شود بنابراین کل هزینه تولید محصول یک هکتار گندم آبی ۳۰۰۰۰ ریال است با مقایسه هزینه اولیه تولید و قیمت محصول زارع از هر هکتار زراعت گندم ۶۷۰۰ ریال بهرست می‌آورد و چون نرخ خرید سال آینده معمولاً مشخص نبوده کشاورز غله کار علاوه ای بکشت گندم در سال جاری نشان دهد زبان کشاورزان در کشاورزی گندم دیم از آبی بیشتر است زیرا از هر هکتار زراعت گندم دیم در شرایط موجود هنوز متوسط ۴۰ تا ۵۰ کیلوگرم برداشت میشود و این آمار است که هیئت صلاحیت‌دار داده است بطور مسلم از طریق تعهد پرداخت سهام وزه کشی اعیان عملیات زراعی با توجه بقانون بودجه سال ۳۰ میتوان قسمتی از زبان زارعان را جبران کرد پیشنهاد میشود نرخ خرید گندم سال آتی همه ساله هلالکام کشت گندم از طرف دولت تعیین واعلام شود تا کشاورزان با قوت قلب و اطمینان بیشتر مبادرت بکشت گندم بکنند تا کشاورزان بتوانند از حداقل زندگی بهره‌مند شوند و زراعت مکانیزه که وسعت اراضی آن از پنجاه هکتار تجاوز میکند برای خرید ماشین آلات و ام کشاورزی به هندی بدون بهره دلم می‌خواهد بداند که آیا این گزارش مرجع رسمی مورد قبول شخص جناب آقای نخست وزیر بوده یا نه؟ و تاکنون چه اقدامی چه عکس العملی نشان داده شده است؟ ما یک بحث ظریف با مسئولین کشاورزی داریم بعنوان کشاورزی سنتی و کشاورزی مکانیزه من میگویم حدود ۷۰ درصد غله فعلی کشور از طریق کشاورزی سنتی بوجود می‌آید دولت چه مستقیم و چه غیر مستقیم در سرمایه‌گذاری واحدهای کشت و صنعت دست و دل بازانه شرکت کرده و اعتبار داده‌ما کشاورزی سنتی بحال خود رها شده آنچنانکه اگر باران نیاید از خدمات کشاورزی بی‌بهره و یا کم بهره هستند چشمان باسماں دوخته شده می‌گویند ما نمیتوانیم کشاورزی مکانیزه و مدرنیزه را ول کنیم ما هم نمی‌گوئیم که ول کنید ولی موازات آن دستی هم بسر و صورت کشاورزان سنتی بکشید ماهیت کار کشاورزان در اکثر نقاط کشاورزی دیمی بترتیبی است که نمیشود مکانیزه و مدرنیزه کرد نماینده هشتاد و چهار اویماق در اینجا تشریف دارند دو هکتار زمین در بالای یک تپه است پنج هکتار بالای تپه دیگر نمیشود وسائل مکانیزه

کشاورزی و کمابین راه آنجا بود کارشناس داخلی یا خارجی آنچه که شما اعزام میکنید خودتان اعلام میکنید ناکام بوده بنظر من آدم وقتی سیاستش در یک رشته با شکست مواجه میشود اقرار بان شکست خودش شهادت میدهد لازم دارد آمدید استاندارد باغات را اخیراً اعلام کردید البته اطلاع ما از طریق روزنامه‌هاست بنده اینجا روزنامه را دارم کیهان چهارشنبه ۲۸ آبان نوشته: معاملات باغ و فضای سبز آزاد شد، شرط معامله باغ اینست که در هر صد متر مربع آن حداقل ۱۰ درخت کاشته شده باشد، تصحیم دولت اینست که ایجاد فضای سبز تشویق بشود و یک مقام آگاه دولت گفت منظور دولت از اجرای این آیین نامه مبارزه با یورس بازی و خاکبازی است که از این منابع انفورماتیک میرسد و شماروی آنها تصحیم می‌گیرید بر همین مبنا است در هر صد متر مربع ۱۰ درخت در حالیکه هزینه نهائی با باغ‌دار میدانند که در هر ۱۰۰ متر مربع ۱۰ درخت نمیشود کاشت یعنی هر درخت باید ۱۸ متر از هم فاصله داشته باشد ۶ در ۶ سی و شش و ۱۸ درخت در ۱۸ در یک چنین مساحتی در حدود ۲۰ درخت میشود کاشت منابع اطلاعاتی که بر مبنای آن تصحیم گرفته میشود این چنین است. تکذیب نکنید بنظر من باید بپذیرید بر آن دیده کاینچه نشود گریبان. با این وضع کشاورزی با این وضع روستائی که ما پیدا کردیم روزنامه رستاخیز شش روز پیش با مطالعه کنید آمار دقیق و مستند انتشار داده که ۷۷ درصد روستائیان بر مراکز استانها هجوم می‌آورند. چندی پیش در تبریز بودم صاحب یک فروشگاه گفت خواهش میکنم نیم ساعت از پشت و تیرسنگ گاه کن اگر یک تبریزی اینجا دیدی از خیل جمعیتی که عبور میکنند؟ خوب می‌آیند برای جذب صنعت باید هم بیایند اما دهات را رها میکنند و آنچه که گفته شد تعادل بین درآمد شهری در حداقل در متوسط با درآمد روستائی. اینست راه‌حلی که بتواند کشاورزی را در روی زمین و کشاورزی خودش نگاه داشت قانون منع قطع درخت را تصویب کردید حالا صرف نظر از آنچه که در آن لحظات تصویب بر سر فضای سبز کشور چه آید الان هم در اول ارسال بیسیجی صدها هزار اصله درخت قطع میشود و این در مسیر من و شما در کنار خیابان ریخته است آنچه که فضای سبز را ایجاد میکند، آنچه که بهیاسازی محیط زیست را بدنبال دارد (یکی از نمایندگان - اینجا را

اصلاً برای اینکار می‌کارند) اجازه نفرمائید مقامات مسئول جواب بدهند. (دکتر هماونفر - به موقع جواب خواهیم داد) انشاء الله ، حالا می‌آئیم بر سر کشاورزی سران نظم توزیع و نظم عادلانه‌ای که در بودجه دنبالش هستیم بیش از ۵۰ میلیارد اعتبارات وزارت کشاورزی و منابع طبیعی است و نزدیک به ۵۰ میلیارد آن در تهران و استان مرکز است و بقیه در روستاها و سرانجام منکت ! اگر آمار و ارقام را بخواهید اینجا هست فقط حوضه مجلسیان را در نظر بگیرید و ساعتی که بر زمین و شما گذشته من میگویم اگر شما کار کشاورزی میکنید کاخ ۳۰۰۰ مبلدون تومانی را برای چه میخواهید ؟ با ۲ هزار اطاق بایک میلیارد و سیصد و چهل و هشت میلیون ریال بودجه برای بررسی و تحقیق ولی در عمل چیزی که همین تحقیق هست که نه سبب زینی نه نیاز پیدا میشود . بیاید ببینید سردرختی امروز بچه روزی افتاده در مراغه شما آقای دکتر دادفر از برکت همین بررسی و تحقیق ! چندی پیش یکی از فرزندان شاهسون مملکت بیمار بود آمد منزل پیش من با حالی پریشان و آشفته با هیچان و اضطراب (صادقی - تب داشته) بنده تب هم داشت . ایجاد تب درش کرده بودند باین کارهایی که با زارع و دامدار میکنند تب آور هم هست میگفت من شاهسون هستم و دامدار هستم و یکی از بزرگترین دامداران دشت بغاق هستم در نوار مرزی هم هستم و در مواردی هم تفنگ من است که از مرزهای کشور دفاع میکند و آن خوب و جمافی که نان بان می‌بندم همین تفنگ من است ، از مرزهای کشورم دفاع میکنم و دفاع هم کرده‌ام و عویت منم در اسمم هست من شاهسونم . آمدند زمین مرا بر من مرا ملی کردند خوب اجرای قانون کردند اما همان قانون که اجازه داده است شما ملک ثبتي آن دامدار مدافع مرزهای کشور را ملی کنید همان قانون شما را مکلف کرده است که باو در محل دیگری برای دام او علف چر بدهید ، چشم‌دا رها اگر در آن محل هم اقتضا نمی‌کند در محل دیگری برای دام او محل چر بدهید گفت ۶ ماه است جلوی چرای دامهای مرا گرفته‌اند زمین مرا ملی کرده‌اند و جای دیگر هم نداده‌اند دو ماه سه ماه با وانت با کامیون بالنسب وقاطر رفته و با قیمت چند برابر غلوفه خریدم و سال را به بهار رساندم هر سال ۶ هزار بره می‌گرفتم امسال ۴۰۰۰ بره گرفتم ، بعد رفته بود پیش مدیر کل منابع طبیعی با زهمان فضای اطاق ، فرش و مبلمان و همان بر خوردهای مدیر کل (نماینده این هم از کوره در رفته بود از پشت میز

کشیده بود انطرف ، همان مدیر کل را ، که زندگی من از بین رفت و این همان کسی بود که چند ماه بعد باو دستبند زدند (صادقی - موقعی که عراق او را ملی کردند حشم داشت ؟) بنده داشت . این چگونه سیاست دامداری است ؟ باین کفای گوشت ، البته من قبول دارم که مصرف زیاد شده به نسبت جمعیت و به نسبت رفاهی که پیدا شده اما دامداری هم به چنین روزی افتاده و آن سرمایه‌گذاری شما در واحدهای بزرگ دامداری هیچ بازدهی نداشته است ، و آن چه که شما به عنوان بازده از دست معان گرفتید بفرمائید چقدر است ؟ ما سالها کمبود گوشت داشتیم و این کمبود گوشت را بطور طبیعی تأمین میکردیم و مسائله‌ای هم نبود از خارج بطور خیلی طبیعی وارد میکردیم از مرزهای نامحدودی که با همسایه خودمان ترکیه داریم ، ترکیه کشوری است که دامداری وحشم آن حالت صادراتی دارد . گوشت بیشتر از مصرفش دارد . صاحب حشم ترک در حال چرا می‌آید بر مرز حشم‌دار ایرانی یا خریدار ایرانی میرفت دم مرز و آنجا با حشم دار تسرک معامله میکرد می‌آورد داخل کشور و مصرف میکردیم حتی سازبان‌های دیگر هم باین ترتیب خرید میکردند شما می‌فرمائید نه نه ، بگوئ یکی از وزرای خوش فکر ما نمی‌خواهیم بگوئیم ما پاریس را ساختیم شما ورزقان را ساختید ، ما همه در یک سطح هستیم . من هر چه میگویم شما می‌گوئید نه ، ارقام و عدد میگویم می‌گوئید نه ، هیأت هم که می‌فرستید او هم آنچه که ما گفتیم میگوید باز می‌گوئید نه گزارش را که اینجا خواندم ، آن موقع تشریف نداشتید (خطاب به معاون وزارت کشاورزی و منابع طبیعی) با اهمیت ترین سیاستها سیاستی است که با منابع روزمره طبقات متوسط و کم درآمد ارتباط دارد . روزگاری بود که صفهای متعددی وجود داشت مصلحت هم ایجاد میکرد . اما امروز همه ما در یک جهت هستیم . البته بازی ظریفی است . شما اسمش را انتقاد می‌گذارید اما انتقاد خیلی محجوبانه‌ای هست . بپذیرید ما سیاست مسکنمان یکی از اهم ترین سیاستهایی است که باز زندگی روزمره طبقات متوسط و کم درآمد ارتباط دارد . البته بنده نمی‌خواهم بگویم سیاست مسکن همه سیاستهایی که در مورد مسکن اعمال میشود متعلق به وزارت مسکن است در سازمان‌های متفرق ما یک مسؤلیت را تقسیم کرده‌ایم . شاید ۳۰ درصد مسکن با وزارت مسکن و شهرسازی است .

و بقیه در جاهای دیگر است بقیه در شهرداری تهران و شهرداری های بزرگ شهرهاست. در مسأله محدوده و غیر محدوده است شما را بخدا این چیست؟ که درست کرده اید؟ محدوده و غیر محدوده، هیچ کجای دنیا چنین چیزی وجود ندارد. استاندارد دادند که چگونه باید ساخت. اما این که اینجا نمی توانی بسازی یعنی چی؟ نمی توانید سرویس و خدمات شهری بدهید موقعی که پروانه ساختمان بدهید در آن اضافه کنید که هیچگونه تعهد خدمات شهری و رفاه شهری برای ساختمان نکرده و ولی مردم را در مضیقه نگذارید. خانه من داخل محدوده همسایه من وزیر مشاور خارج از محدوده، این که درست نیست. (دکتر شادمان - اگر عکس این بود بدیود.) بنده هم که برعکس نگفتم آقای دکتر شادمان، یک آییننامه ای برای مالک و مستأجر تصویب شده. آن صورت به اصطلاح پیوست آییننامه در نوع خودش بسیار دقیق و خوب تنظیم شده بود یک نمونه کار خوب بود اما خود آییننامه اصلاً آییننامه نبود آییننامه ای که دولت آورده باشد از کمیسیون دادگستری گذشته باشد نادیده بودیم که قانون خیلی بندرت در جهت منافع مردم عطف بما سبق میشود. اما ندیده بودیم که قانون ارتباط خودش را از لحظه تصویب تا یک زمان ما قیل ببرد. یعنی میگوید این آییننامه تا آخر تیرماه ۵۰ کئی تصویب میشود؟ در مهرماه، در آذرماه، یک قانون خوب یک مقررات خوب، یک آییننامه خوب باید جامع و مانع باشد. چرا خانه ای که اول تیر ماه به اجاره رفته مشمول این آییننامه باشد ولی خانه ای که دوم تیرماه اجاره رفته مشمول نباشد این مسايل ناسامانی مسکن را ایجاد میکنند. در مورد مالک و مستأجر اگر قانونی می خواهید این تنها مربوط به مانیست در تمام دنیا اینطور است هر قانونی که بخواهد از طبقه مشخصی بیش از حد حمایت کند. درست نیست اگر بخواهد از مستأجر بیش از حد دفاع کند بضرآن طبقه تمام میشود. اگر بخواهید حمایت زیادی بکنید یا در عمل این ترزا برپایه کنید به موازات قانون باو آن رسد که به مستأجر ایرانی رسیده است. یک وقتی قانونی میگوید که مالک می تواند ملک خودش را تخلیه کند اگر برای خودش هم لازم باشد باید بیرون دادگستری سالها بدود. در چنین صورتی نباید میگوید و بدیعه، چک و سفته نمی تواند بگیرد میگوید پول میگیرم. رسیدم نمی دهم. خانه ۵ هزار تومانی را ۵ هزار تومان وثیقه میگیرد رسیدم نمی دهد و میگوید اگر در موعدهش تخلیه نکردی این پول را پرداخت نخواهم کرد.

وقتی اگر استیصال بحدی رسید که نتوانست مسکن برای خودش پیدا کند زیر چنین تحمیل هم خواهد رفت یک حمایت مشروط از مستأجر باید باشد خیلی ساده است که ما بیانیم این ارتباط را ایجاد کنیم رابطه مستأجر را با دادگستری قطع کنیم آتوت هم دستگاهها راحت هستند هم مردم و مستأجر در سر رسید اجاره نامه خانه را تخلیه بکند بایک فرصت دوماهه و اگر تخلیه نکرد از نزدیکترین دفترخانه اجرائیه صادر کنند که تخلیه کنند این چیزی است که در همه دنیا عمل می کنند چیزی نیست که در اینجا کشف شده باشد. دادگستری هم سال بیکار شاخص قیمت های رسمی را منتشر میکند، این پایه تعدیل اجاره بها میشود. اگر مالک می خواهد افزایش بدهد با اظهارنامه و اگر نکرده اجرائیه صادر می کنند. اگر تعدیل تقابل هزینه زندگی بود مستأجر تودیع می کند در صندوق، ولی مالک باید بداند اگر مستأجر جدیدی آمد در اجاره نامه و قرارداد جدید نمی تواند مال الاجاره را بالا ببرد و مستأجر هم باید بداند که اگر تخلیه کرد خانه دیگری هست که برود اجاره کند و سکونت نماید. من در مورد نظم توزیع بودجه معترض شدم و گفتم که آن عدالت بودجه ای را درست نمی بینم. اشاره خواهیم کرد به چه نسبتی و برای کجا؟ و با در نظر گرفتن چه اولویت هائی؟ اما آخرین کلام را در مورد مسکن عرض می کنم اگر خاطراتان باشد حدود سه سال پیش شرکت پس انداز وام مسکن تشکیل شد. این شرکت در حدود ۳۰ میلیون تومان سرمایه اش بود چهل میلیون تومان هم از بانک رهنی بایه ۶ درصد گرفت. خوب این سرمایه اولیه این شرکت بود. بعد مردم آمدند شرکت کردند. سهام خریدند سرمایه گذاری کردند. چند ماه پیش وضع این شرکت پس انداز وام مسکن از نظر پس انداز ۳۱۰ میلیون و هفتصد هزار تومان بود. از نظر سپرده های مدت دار ۳۲۰ میلیون تومان و از نظر وام هائی که بر مردم داده است ۸۱۹ میلیون و نهصد هزار تومان بایک رقم یک میلیارد و چهارصد و شصت میلیون و ششصد هزار تومان این پولها یک مقدار سرمایه و پس انداز مردم است، ولی در مجموع تمام این پولها با بهره ۱۲/۵ درصد جردم دادند اگر پول مردم است دیگر بدتر. مردم با چه بهره ای پولشان را در بانک گذاشته اند و با چه بهره ای وام میگیرند؟ ۴-۵. ۵ میلیون تومان پول از بانک رهنی بایه ۶ درصد گرفتن و ۱۲/۵ درصد بهره به مردم دادن من در عدالت توزیع بودجه به یک منطقه خیلی کوچک اشاره می کنم بسیار

بربرکت و حاصلخیز با دشت های هموار که مساجمی تواند بیش از نصف غله ایران را تأمین کند مرکز دامداری کشور است بیش از نیمی از گوشت کشور را تأمین میکند یکی از خوش آب و هواترین نقطه دنیاست از نظر توریستی یک مرکز بزرگ جهانی است بلکه شهر تهران است اعتباراتش را هم عرض میکنم اشتباه نکنید اعتبار آذربایجان نیست، هشتروند نیست، باغات مراغه هم نیست، هفت تپه هم نیست خوزستان هم که دو کشت سه کشت در سال دارد نیست. تهران است با چهار میلیون جمعیت در مقابل سی میلیون جمعیت از این بودجه می خوانم کشاورزی و منابع طبیعی در منطقه آذربایجان شرقی ۹۹ استان مرکزی ۱۷۶ میلیارد ریال دامپروری آذربایجان شرقی ۵ استان مرکزی ۱۴۶ دامپروری ۵۸ استان مرکزی ۱۰. البته عمران دشت قزوین اعتباراتش جای دیگر است در مغان دشت مغان و مجتمع قزوین را و اعتبارات ورامین را هم نمی گویم. راه ۱۰۹ استان مرکزی ۲۵۷ دوقرن پیش، تهران جزء دهات ثلاثه بود و تهران بدآب و هوا ترین آن و تقریباً مرکز تبعید حساب میشد این دهات ثلاثه تهران و کن و بولغان بود که تهران حال شده یک شهر عزیز دردانه که اعتبارات آنرا در هر فصلی شما از این بودجه را که بگردید چه مرئی و چه نامرئی می توانید پیدا کنید هر جا مثلاً اگر نوشته باشند جنگلداری کشور اینقدر بسیار ریال، یک درصدی برای تهران در نظر میگیرند این مربوط به پروژه و طرح هائی است که در وزارتخانه است و ما نمیدانیم بسیند برای این تهران آمدند گفتند که شهری است که برای شما صرف میکند آب و نوش کنید بگذاریم این دیر خراب آباد باشد بروید جای دیگر تهران دیگر بتازید و مترو هم در آنجا برایش بسازید همیشه همینطور است که ما گزین کرده باره می کنیم حالا کم کم این زمزمه آهسته بگوش میرسد که اعتبارات مترو نسبت خودش هم بتدریج هیچ برای اینکه شهری که فاضلاب ندارد باید موقوف کرد مترو آنرا بعد از فاضلابش شهری که طبقات ساختمانیش نامتعادل است نمیشود در آن مترو ساخت اگر تاريس مترو دارد در آن محدوده معنی از شهر طبقات استاندارد و پنج طبقه است حساب فشاری که بر سطح خاک میاید کرده اند در کنار ساختمان ۲۲ طبقه کاخ وزارت کشاورزی و منابع طبیعی ساختمان دوسه طبقه نساخته اند یک شهری با استاندارد معین ساخته شده و از نظر ساختمانی خاکش هم تحمل این عملیات زیر زمینی را دارد این کار را همینطور

شروع نکرده اند (یکی از نمایندگان - میخواهند علاج ترافیک بکنند که اینهم علاج ترافیک نیست) بلکه نیست اگر علاج ترافیک را بخواهند بکنند شرایط موجود هم امکان پذیر است ما شاید یک ایرادمان این باشد که با نمایندگان تهران در این مورد همصدا نیستیم عاير غم تمام اعتباراتی که در این چاه و بیل میروند نتیجه ای از تهران نشینی نکرده اند. این همه سرخاب عقیداب به این عروس بدتر کسب می کنند. هر چه کردید برین است. حالا این تهران شده یک فضای که ساطور دستش است بی از این اعتبارات استان ها می برد و می برد. بزه بفکر. جانش است و قصاب دنبال دینه میگردد. هر چه دنبال این اعتبارات گشتم و پس و پیش کردیم دیدیم تهران، تهران، تهران، من یک روزی رفتم خدمت جناب وزیر مسکن و شهرسازی موکلین و هم شهری های من می نویسند که آقا دهها دهکده در دامن شهر شما درست شده این ۷۷ درصد روستاییان که از روستاها شهر می آیند تنها روستای خودشان را خراب نمی کنند شهرها را هم خراب می کنند نمی خوانم بگویم روستایی ما عیسی برای خوب نیست روستایی وقتی روستایش را ترک کرد روستایش را خراب می کند شهر هم که آمد شهرها را خراب می کند و این خود مسئله ای است آمدند دهات را در شمال تبریز درست کردند اصلاً شما وقتی به آن جایی روید کاملاً مشخص است ده اول سمت آباد، ده دوم همینطور پشت سر هم. گفتم این که حرکت را شما بیاید از دامن شهر بزدانید آقای وزیر جواب دادند از اعتبارات صحبت نکنید اعتبار نیست. یعنی نه دولت این اعتبار را دارد و نه وزارتخانه ولی راه حلی ارائه فرمودند که به سبب آن راه حل مشکرم ما آمدیم با موکلین مان نشستیم و گفتم که اگر نتوانستیم اعتباری برایشان تحصیل کنیم در عوض راه حل آوردیم. گفتند چیست؟ گفتم این است که شما بیاید یک مقداری سرمایه گذاری کنید یک سازمانی بنا سازمان نوسازی تشکیل بدهید و بعد این اراضی که بدین شکل در دامن شهر نامی زشت پیدا کرده است اینها را با این سرمایه اولیه آپارتمان سازی کنید و بعد آن آونک ها را بگویند که اسلندش را تجمع و باضوابط معین شهرسازی تفکیک و فضای سبز بدهید. پارک بدهید رفاه شهری بدهید و محلات را اینطور تکه تکه آباد کنید. خوب اینها دیدند که یک چیزی هم بدهکار شده اند... سیلابی می آمد یک بنده خدائی هم آنجا ایستاده بود مردم را.

کول میکرد و به آن طرف آب می برد و ده سنتی هم می گرفت. برناردش او بدله گوی معروف انگلیسی بولی ندانست به او گفت تو از این همه آدم بول گرفتی من بولی ندارم در عوض تورا نصیحتی می کنم که خیلی ارزشش بیشتر از آن ده سنت است. آن بنده خدا گفت این همه بول گرفتم یک بار هم به جای بول نصیحت می گیرم. برناردش او را به آن طرف آب برد. برناردش او را واکت نصیحت من به تو این است که اینکار را با من کردی ولی اگر با همه بکنی از گرسنگی می میری. آقای وزیر مسکن هم در دیشان گفتند که اگر باجمعه منابع تحصیل اعتبار آن چه با من کردی بکنی شهرت بیجان وضع خواهد بود. اما وقتی این بودجه آمد و بررسی کردیم دیدیم تخیر دو هفتاد هزار مسکن در تهران و تبریز تنها برای خانه سازی ارثی بواقع در کل پنج و نوزده و نیم میلیون در حدود ۶۰ میلیون تومان منظور شده است اما اگر برای عنوان یک شهر بخوانند تحصیل اعتبار کنید اصلاح در کار این وزارت مسکن و شهرسازی نیست. اعتباری در کار نیست. عرض کرده ام در حد مشکلات مسکن ما فقط با وزارت مسکن است. خوب در مقابل جوابی هم است می گویند در شهر شما خانه های کارگری را بانک رفاه کارگران ساخته است شاید بزرگترین سرمایه گذاری را در شهر ما کرده اما بجای اینکه آن آن نیز خودتان را در باره این خانه ها بنده کنید و این خانه ها را در محلات این نوعی بسازید در خارج از شهر ساخته شده است که الان سرویس شهری و خدمات شهری به این ها از مشکلات بزرگ شهرداری ها است آب و برق و تلفن و سایر هزینه های رفت و رو ب و تمام این ها در یک زمین متری و تومان خانه هایی ساخته شده که نه فضای سبز دارد نه تأسیسات رفاهی و نه میدان ورزش خانه های دلگیر و توی هم رفته در زمین متری و تومان آنوقت ما زمین بزرگ را بگیریم، آلونک ها را بگیریم با چه بول و با چه امکانات؟ اینها همه مسئله ای است آلونک های تهران خودش مسئله ای شده است. گاهی خانه هایی می سازیم و آلونک نشین ها را می آوریم به این خانه ها در حالیکه این آلونک ها الان سرفظی دارد ساکنین آن ها می گویند وقتی ما در این جا بشینیم و سکونت کنیم بعداً برای ما خانه خواهند ساخت و از این صاحب مسکن خواهیم شد. ببنید در یک فصل از این بودجه که بهبود عبور و مرور تهران و اتوبوس رانی و تأسیسات شهری و بهسازی تهران است یک میلیارد و پنجاه

میلیون ریال به اضافه یک میلیارد و پانصد و هفتاد و نه اضافه دو میلیارد و سیصد و هفتاد و نه اضافه سه میلیارد و نهصد و ده یعنی نسای با یک رقم ۹۰۰ میلیون تومان. فقط در یک فصل از عنوان عبور و مرور و بهسازی شهری، ولی برای تمام شهرهای ایران رقمی نزدیک ۲۰ میلیون تومان (یکی از نمایندگان تهران ۵ میلیون جمعیت دارد) بلی میداند و میلیون جمعیت دارد ولی آیا تمام شهرهای دیگر ایران در مجموع ۵ میلیون نفر جمعیت ندارد؟! ایگانه همکاران عزیز من در کمسیون بودجه می آمدند این ۹۰۰ میلیون تومان را خودشان یک شاخه ای تعیین می کردند به نسبت جمعیت حتی باعتبار اینکه بودن و یا غرضی است که قابل توجه باشد تعیین می کردند می خواهم بدانم که آقای مضموری چرا در این بودجه وزیر در این جا تا سه صد میلیاردین تعصب ندارد این بودجه و این شما.

عباس میرزائی - میفایند تهران مرکز عبور و مرور است تهران باید بخت مملکت و آبروی ماست.

بنی احمد - تعجب آبروی مملکت را با نام این تهران حفظ کردید. چکار کردید؟ در تهران نوربستی که از اروپا بخرید میفایند باز آنس خود می گویند تهران را از مسیر حذف کن. تهران شهری است که رفت و آمد در آن امکان پذیر نیست (یکی از نمایندگان - با این بودجه می خواهد درست کنند این مهندسان که شما میگویند به تهران می آید به همه چیز تهران نگاه می کنند هر چیزی که در تهران است به اعتبار اینکه فقط در تهران است یک سهم بیشتر و بازم بیشتر از اعتبارات برای خودش اختصاص داده است بابت هج شهر مرکز تمام دانشگاههای کشور نیست بزرگترین دانشگاههایش در بابت نیست بزرگترین اعتباراتش در مرکز نیست (مظفری - دولت متعهد شده است یک دانشگاه در تهران اضافه نکند) شما تمام اعتبارات را اختصاص به دانشگاه تهران دادید می گویند دانشگاهی است که قدمت دارد البته مشکلاتی هم دارد اعتباراتش باید زیاد باشد از طرفی هم می فرمایند نه اولین سرمایه گذاری در دانشگاههای قدیم و مادر شده این دانشگاههای جدید هستند که سرمایه بیشتری را باید جذب کنند دانشگاه تهران ۸۸۶ دانشگاه آذربایجان ۴۶ میلیون تومان بفرمایند این دانشگاه آذربایجان با این اعتبارات قطعاً قطع شده اش چکار می تواند بکند آنجا که مصلحت مملکت است

نستوانیم بگوئیم یکی از دیگری وطن پرست تر است همه ما وطن پرست و شاه دوست هستیم همه ما مصالح مملکت را می خواهیم و از دیدگاههای مختلف می گوئیم یکی برداشتن از یک دید است یکی از دید دیگری من میگویم دانشگاه آذربایجان یک پرو بلم مملکتی است چرا چون در مقابل دانشگاههای ترکیه است. آقای مظفری در مجلس پیش را میگویم من در مضیوعات ده سال پیش نوشته جوانهای آذربایجانی را بر اساس مالدیولیای بان ترکیه به آن طرف می کشند به طرف خودشان می کشند مسکن میدادند پول میدادند مقرری میدادند سدا به نکتی می کردند! میگفتند شما یا بستنی به ما ارائه بدید که آقای ایکس از دانشجوستان ترک آذربایجانی است.

زنیس - آقای بنی احمد ما با کشور ترکیه روابط بسیار صمیمانه داریم. حیثیت کشور ترکیه چنین نمی کند.

بنی احمد - مربوط به کشور و دولت ترکیه نبود مربوط به عمل کرده های بود در دانشگاههای ترکیه و بعد موافق جریان روشن شد که جوانهای ما جمع شدند در دانشگاههای ترکیه و این بورسها را پس دادند کسی نه ما این پولها را نمی خواهیم از همین جا معلوم شد که ما در خواب بودیم شاهنشاه تشریف بردند به ترکیه و سؤال فرمودند که این همه دانشجوی ایرانی در اینجا چه میکنند؟ وقتی مراتب را به عرض رساندند فرمودند دانشگاه آذربایجان باید به حدی توسعه پیدا کند که دانشگاههای همجواریان رتک بورژوازی و دانشجویان همجواری را جذب کند (دکتر دادفر - آقای بنی احمد دانشگاه آذربایجان الان هم نسبت به دانشگاههای ایران در درجه دوم اهمیت قرار دارد و از جمله دانشگاههای بزرگ ایران است) از نظر بزرگی بله از نظر اعتبارات نه ما اینهم در مقابل اعتبارات تهران گفتم که یک راه نبرندی برای شهری که سرویس مملکت را میدهد البته نمی خواهم راجع به منطه صحبت کنم بودجه مملکتی است و بحث باید مملکتی باشد اما این شهر هم از اعتبارات مرکزی و غیرتستین خودش برای مملکت سرویس میدهد نزدیک به هزار خانه در حال تیراب شدن است این یک اعتباری داشت وزیر محترم راه هم نوشتند که این اعتبارات تأمین شده آمدید مبالغی پرداخت کردند به مهندسان مشاوران ما میدانیم پولهاییکه به مهندسان مشاور پرداخت میشود از محل اعتبارات طرح

است تا اعتبارات تأمین نشده باشد که بولی تمید نمیدانم بول در جای دیگری خرج شد سازمان برنامه بصورت اولویت ۳۰ میلیون تومان بودجه گذاشت و تصویب کرد بعد در بودجه دیدیم نیست. بنده کتیباً به کمسیون بودجه نوشتم (مظفری - پیشنهاد جنابعالی هر کمسیون بودجه مطرح شد شما تشریف نداشتید حالا پیشنهادتان را در جلسه علنی بفرمایید مطرح خواهد شد) باه من نمیدانستم روز جمعه هم کمسیون هست ما این مسائل را نظری بررسی میکنیم و یک حرفهایی در حاشیه میزنیم و بعضی مواضع هم میرویم به متین قضیه آنجانی که میرویم به متین مواضع خارج میشود هر دو مواضع خود وقتیه که در حواشی صحبت میکنیم هیچ گریزی از گره ما گشوده نمی شود. آقای نخست وزیر یک کلام کوتاهی گفتند در موقع تقدیم بودجه مجلس فرمودند کمیسیون برای بازار کار بتواند در بودجه جای تازه ای باز کردیم. بانوان ما خانمانیکه با حقوق مساوی دوش مردان ایرانی بحق خودشان رسیده اند نمی از اجتماع ما بودند که فلیج بودند و وارد اجتماع ما شدند با برکت انقلاب شاه و مردم تو نکته اساسی هر مورد اینها در خور توجه است یک موقع می گوئیم که سال زن است و در ایران سال زن را جشن میگیریم و کارهایی که مربوط به تقاضا است و در موافقی هم لازم است. میکنیم اما کارهایی که باید در حق اینها انجام بشود کارهای اساسی تأمین مادی و معنوی بانوان است تأمین حیثیت شفلی برای آنهاست نه بصورت دکور در ادارات ، مطابق قوانین مدنی ما زن از ما ترک شوهر یک حق قانونی دارد که میرد ، این ماترک و السلام میگوید ، قرآن میگوید که از جمیع ماترک تلقی میشود نظر فقهای امامیه هم مشتت است عده ای میگویند ماترک از جمیع مال است عده ای میگویند از عرصه زن سهم نمی برد ولی اسلام دینی است که با عقل سازگار است هر چه را عقل حکم کرده در اسلام هم مورد تأیید است این یک تالی فاسد دارد. فرض بفرمایید مردی می رود بدفتر خانه برای انتقال یک قطعه زمین خودش که میلیونها تومان میارزد آنجا نشسته است اگر پنج دقیقه قبل از امضاء سکه کرد و مرد زن هیچ چیز نمی برد اما اگر پنج دقیقه بعد مرد که امضاء کرده باشد زن حق شرعی خودش را میبرد. این مسائل مربوط است به رفاه مادی و معنوی زن در سالی که برای سال زن تعیین کرده ایم (عباس میرزائی - این موضوع ها را دقیق

بفرمائید در صورت جلسه ثبت میشود) اجازه بفرمائید من تکلیف خودم را میدانم اینها فضاوتن با تاریخ و مامت ایران است - خسته هستم البته من از شما بیشتر خسته هستم ولی حوصله بفرمائید مادر ششم بهمن هر سال علاوه بر اینکه سالگرد درخشندگی انقلاب اجتماعی ایران را جشن میگیریم از پیشوای کشورمان هم بمناسبت این سالگرد یک رهنمودهایی، یک ارشادهایی دریافت میکنیم که اینها ملالک زندگی اجتماعی و سیاسی ما برای آن سال و سالیهای آتی بحساب میآید ما با نارسایی سازمانهای اداری سالهاست که روبرو هستیم این نارسایی چیز تازه‌ای نیست من یادم است روزی از قول دکتر شایخ ساخت مخصوصی که آنوقت روی مسائلی که مصلحت نبود میآوردیم ایجاد حاشیه صلاحیت خود در سؤالی از او کردند که سازمانهای اداری ایران را چگونه می بینید؟ جواب داد سازمانهای اداری ایران در حالتی هستند که نباید دست به برکتب آن بزنید مگر آنکه بتوانید چیزی جای آن بگذارید یعنی یک پس و پیشی کردن، یک جرح و تعدیل، یک حالتی که به آن حالت رفرم میشود گفت این در مقابل سازمانهای اداری شما نمیگنجد سازمانهای اداری که بر مدار شخصی میچرخد افکار و عقاید شخصی از آن بالا گرفته تا پایین ترین سطح حکومت میکنند شما بر حسب تصادف یک شخص بدی را می بینید در رأس یک تشکیلاتی در نتیجه تمام تشکیلات وابسته او بد است، شخص با حسن نیتی را می بینید تمام تشکیلات وابسته او خوب است. ببینید در سطح خیلی پایین کارهایی را که با مسائل روزمره مردم سروکار دارد همین حالت را دارد کاملاً شخصی است ثبات بایکان اداره ثبت در یک اطاق بزرگ در میان چند هزار پرونده نشسته است (نمایندگان - الان کامپیوتری شده است) تهران شما بلی ولی شهرهای مانخیر، بله به ثبات میگوئید که پرونده علی آباد را می خواهم، فوری نردبان می گذارد و می رود پرونده را می آورد و میدهد به دست شما، یک سیستم خارجی العاده شخصی بعد هم یکسال، دو سال مانده به بازنشستی یکی میآید زیر دستش تا او بازنشسته میشود. اگر چند روزی مریض بود باید صبر کرد تا بیاید و کارهایی را انجام بدهد (مظفری - به این میگویند بایگانی سنتی) وقتی یک همچون حالتی در سازمانی پیدا شد آنرا دیگر با رفرم نمیشود درست کرد با یک تغییر و تبدیل نمیشود درست کرد این انقلاب

ملی خواهد انقلاب اداری در متن اصول انقلابی. شاید آنچه که از همه بیشتر با تنگنا مواجه شد انقلاب اداری است در هر وزارتخانه و یا اداره‌ای کمتر انقلاب اداری بوجود آمد و اینها از آنها چیزی که به نظر احتیاط می کردند این کمیته‌های انقلاب اداری بود و نتیجه این شد که نارضایتی مردم نارضایتی دستگاهها و بالنتیجه فساد اداری تا جایی رسید که در ستم بهمن آنچه که بصورت فرمان برای فروزان ترک کردن انقلاب شاه و ملت دریافت کردیم مبارزه‌ای بود همه جانبه با فساد اداری. خوب یک وزیر خوب چگونه میتواند به نفعی در وزارتخانه خودش باز این مبارزه با فساد را بدوش بکشد انبوه بازرسان هم اگر ۱۰۰ نفر باشند به اندازه ۱۰۰ نفر و اگر ۱۰۰ نفر باشند به اندازه ۱۰۰ نفر و در همان حد میتوانند مبارزه با فساد بکنند مبارزه با فساد باید حائلی پیدا کند که در هر مجلس و محفل که افراد ملت ایران را تشکیل میدهند و در آن مجلس و محفل عضویت دارند کاشف فساد باشند چرا تجسس نکنند؟ آنهم تجسس همه جانبه از طرف تمام ملت ایران اشکال کار ما اینست که منتظریم فقط صد نفر بازرس شاهنشاهی که چشم و گوش شاهنشاه هستند پرده از روی فساد بردارند این وظیفه همه ماست آنچه که در بهمن بصورت یک فرمان صادر شد و آقای نخست وزیر هم تعبیرشان جهاد مالی بود جهاد که با ۱۰ نفر و ۱ نفر نمیشود. ۳ ماه قبل سرسرفه جناب آقای نخست وزیر، که از بس تکرار شده مادیکرمعتاد شده ایم ولی نمک گیر نشده ایم، من در آنجا یادداشتی خدمتشان فرستادم که فلان مأمور مالیاتی در فلان استان که اتفاقاً آدم ناسالمی هم از نظر مالی نیست اما یک سیاست غلط مالیاتی را پیاده میکند یک موقعی است که دولت ایجاب میکند سیاست افزایش مالیاتی را داشته باشد خوب حق هم هست، مردم باید مالیات بدهند. اما یک موقع درصدش بجایی میرسد که به ضرر مملکت تمام میشود از یک تاجر ۲۳۰ هزار تومان گرفتن و در سال بعد ۵ میلیون تومان گرفتن خلاف مصلحت مملکت است. شاید درست باشد اما صحیح نیست.

۳- تعیین دستور و موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - آقای بنی احمد وقت جلسه تمام شده است با اجازه خانها و آقایان این جلسه را ختم میکنیم. جلسه آینده ساعت ۹ صبح فردا روز چهارشنبه دستور جلسه ادامه مذاکره در لایحه بودجه سال ۱۳۰۵ کل کشور خواهد بود. (جلسه در ساعت ۲۴ ختم گردید)

رئیس مجلس شورای ملی - **عبدالله ریاضی**